

۱۹ نفر با آذربایجان دادیم باید بخراسان هم ۱۵ نفر بدهیم هیچ جهت ندارد که از اینجا کسر بکنیم از جای دیگر کسر بکنیم و بگذاریم اینجا همان حوزه بندیهایش را کرده آن وقت آن چهارستانی که تازه اضافه کرده است آن وقت بسزوار یک نفر حق داده اند در یک جا بگوئیم برای سهولت است برای موقعی که مقتضی است از روی جمعیت است آخر اینکه میشود در هر جا یک نفر معصوم می مجبوراً رأی بدهیم و بگذرد و برود باین جهت مخالفم.

رئیس - شما مجبور نیستید و کسی مجبور نیستند شما را که رأی بدهید.

افتخار الواعظین - گویا آقای دکتر

حاج رضا خان خیلی اظهار بی مرحمتی کردند نسبت بخراسان میفرمایند که عده را زیاد خواستند و وقتی تقسیم کرده اند حوره بندیهایش را به هر صد هزار نفر حق وکیل داده اند پس این را ۴ قسمت کرده اند یک قسمت او را داده اند بسزوار و ۳ قسمت را داده اند بشهید گویا سایر جاهای دیگر را جزء این بشود گفت که فلان جا ۴۰۰ هزار نفر جمعیت دارد اگر قبول ندارند بیرون بشمارند اما خراسان اصحاب شده است و صورت او را هم فرستاده اند بوزارت داشته خوب است آقای دکتر تحقیق فرمایند که آن بلوکاتی که بنده گفته ام بدون جام باخزر حق ۴ نفر وکیل دارد از برای این که جام باخزر را میخواستند جدا کنند آن وقت ناچار بودند که عده و کلاه را ۶ نفر بکنند بجهت این که جام باخزر هر دو جزء تربت شده باقی بکشد و کسب دارد از برای آن که عده به ۱۶ نفر نرسد آمدند که دیگر را ضمیمه شهر مشهد کرده اند و الا اگر از آنجا که اطلاع از مشهد و توابع دارند ببرند عرض میکنم که مشهد خودش تنها ۴ نفر نماینده دارد و جا باخزر که با آنجا اضافه شده است این زیادی و تحمیلی است.

رئیس - مذاکرات گویا کافی است (گفته شد کافی نیست)

رئیس - رأی میکنیم که مذاکرات کافی است یاخیر آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (عده قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود مذاکرات کافی نیست

توابع الدوله بنده مخالف هستیم که عده کم کم

زیاد شود آقایان نمایندگان خراسان همچو تصور میکنند کادر شهرها از روی احصائیه انتخاب شود اول آذربایجان تقریباً سه کورده شد کسی هم در این مدت نرفته است تحقیق کند تمیناً میگویند فاوس ه کورده است خراسان چهار کورده است در این سه مانهیدانم و با آمدن طاهون آمد بطور شد که بشهرتیه کم شد بنده نمیدانم این چه نظری است و نظر کمیسیون برای چیست از صد هزار نفر منتهی چهار نفر مرده باشد باقی او هست فعلاً چهار عدد نماینده کم شود و از آنطرف می آید میگویند که خراسان دویم شهر است یاسیم شهر است ماکه نرفته ایم بشماریم همه ماها از روی قیاس و از روی تخمین میشنویم که تیر یزایتقدر جمعیت دارد طهران اینقدر است خراسان اینقدر است خراسان دویم هزار نفر جمعیت دارد جام و باخزر هم آخر یکمده دارد و باید آخر بآنها هم

یک وکیل داد درست ملاحظه نشده است اگر بنده جزئی و کلی را بنخواهم عرض کنم باز زنگ زدند میشود **معدل الدوله** - خراسان از جمله جاهائی است که بغلاف سایر نقاط میزری و تعدیل شده است و جزء بجزه رسیدگی شده است در چهار سال قبل از این بجزئی و کلی آنجا رسیدگی شد و در آن احصائیه یک ترتیبی داده و یک تعیین از عده نفوس بر حسب امر دولت شده بنده خود یک دو نقطه را احصائیه نمودم و چون کلیه در بعضی نقاط دیگری شرکت داشتیم و این عده نمایندگان که نوشته اند محققاً موافق است با عده نفوس آنجا بلکه بعضی هم نوشته اند ولی کمتر از این نی شود اینقدر لازم است و اینطوریکه نوشته شده است صحیح است.

صدر العلماء - خیلی مذاکرات شده بنده

بطور اختصار میخواستم عرض کنم خراسان را بنده چندین وقت خاکش را جمعیت او را کمتر از تبریز نمیدانم نوشته اند چنانرا را دکان جام باخزر و حال آنکه توابعش را تمام باید بدانند چقدر است چهار بلوک دارد مشهد ۶۰ (اسامی را بنده نیل شمرند) حالا بحساب آنجا هر کدامی که کردار و ولی تعیین هر کدام ۷۰ نفر در زمین اینهاست و این چهار نفریکه اینجا معین کرده اند برای مشهد و جام باخزر خیلی کم است باین بلوکات که ضمیمه او است بنده استصاف میکنم که یک تجدید نظری بکنند و اقلاً شش نفری با آنجا بدهند و آنکه فرمودند که زوار فقط آنجا میروند سجاور هم دارد و همچنین نیست که همامش زوار باشد و این تعیین که آقای معدل الدوله فرمودند که احصائیه و تعدیلات در هر کجاشه خودشان کرده اند بنده قبول دارم ولی باقی را قبول ندارم.

محمد هاشم میرزا - بنده با این چیزیکه

از کمیسیون گذشته است در مرتبه اول حوزه بندی شده بود که چند ماه قبل بود که در آن مذاکره شد برای عده خیلی مذاکرات بیان آمد و همینطور که میفرمایند تعیین عده غالباً تعیینی بود ولی بعضی جاها از قبیل خراسان نظر با احصائیه و تحقیق بوده یعنی علاوه بر میزری و تعدیلی که برای چند نقطه خراسان فراهم شد در صادرات شاهزاده عین الدوله مخصوصاً آنجا میزری شده که یکی از آن میزری آقای معدل الدوله بودند که چنانچه خودشان هم فرمودند ایشان قایمات پیروند و رسیدگی کردند علاوه بر این بجنورد و جاجرد و اسفراین را یک میزری دیگر در وقتی که مجلس افتتاح شد بعمل آمد یعنی آقای قوام السلطانه که آنوقت معاون وزارت داخله بودند خیال داشتند که کلیه ایالات را بولایات تجزیه نمایند و از اینجهت در صدد بر آمدند که احصائیه بدست بیاورند با اینجهت بود که تلگرافات بولایات کردند تا کیدات بحکام شد و دستور العلماء دادند چنانچه از تبریز و ارومی کافه ها رسید از بعضی نقاط عراق هجوم هم رسید تقریباً از زنجان و کاشان هم رسید از خراسان و جاهای دیگر هم رسید آقای حاج معتمد السلطانه هم در ارومی در آن زمان حکومت داشتند و رسیدگی کردند منجمه احصائیه خراسان و اینطور نیست که یک چیز هوائی باشد صورتها را که از اول آن دوات تا حال رسیده است در وزارت داخله مضبوط است چیزی نیست که غیر معلوم باشد تا اینکه افران عرض کرده باشم و همچو نیست که کسانی بهد مشرف

و این اشتباه بود که یک نفر در درجه اول بشهید داده بودند اینستکه پیشنهادی بنده عرض کرده ام و در تمام حوزه بندیهایش هم هر کس مخالف است بنده حاضر هستم که تمام را مدلل و شرح بدهم یعنی مقصود ادای وظیفه خودم است و راجع باطلاعات ولایتی خودم حالا نمایندگان میخواهند قبول بکنند یا نکنند.

رئیس - حالا مذاکرات کافی است (گفتند کافی است) حوزه انتخابیه کلات

(کلات دره خیر - سرخس یک نفر) رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) مرکز حوزه انتخابیه دره خیر

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) حوزه تربت

تربت - کوه سرخس - بستان یک نفر رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) مرکز حوزه انتخابیه سلطان آباد

رئیس - کسی مخالف نیست (اظهاری نشد) حوزه سبزوار

سبزوار - مزینان - جوین - بام و صفی آباد سر ولایت

حاج سید ابراهیم - در اینجا سبزوار نشسته

و مزینان را جزو کرده اند گویا قصبه است و در کلبه آنها بنده عرض کردم یکوقت هست که نظر بنده نفوس است و باید مانظر بنده نفوس بکنیم و حق انتخاب وکیل هم آنوقت بهر صد هزار نفر یک نفر بدهیم اگر چه عده نمایندگان بنده و صد و بیست و یکمتر به این است که باید رعایت عده صد و بیست و تناسب را کرد در یک جا می آیم چندین قصبه را یک نفر میدهم ولی در جای دیگر که یک یا دو قصبه را دو نفر میدهم بنده نمیگویم که چرا با اینجا دو نفر میدهند عرض میکنم اینجا رعایت تناسب میشود و این یک نظامنامه که حوزه بندیهایش را تناسب ملاحظه کرده باشد نیست مثلاً نفوس سبزوار و مزینان و غیره صد و چهل و پنجاه نفر است و از روی تناسب نباید دو نفر داد و بنده عده نظرم به تناسب حوزه بندیها است از حیث تناسب ملاحظه میکنم می بینم در سبزوار و مزینان و جوین این سه قصبه را دو نفر میدهند ولی فریدن و چهار محال و نجف آباد و کرون و دهن را یک نفر میدهند اینستکه بنده همه اشکالم در پی تناسبی این حوزه بندیهایش است که ملاحظه نشده و حوزه بندی از افکار افرادی نه آراه جمعی از نمایندگان.

آقای محمد هاشم میرزا - مدلل میدانند

که در فلان کتاب نوشته است عده نفوس خراسان یا جای دیگر دویم هزار نفر است بنده از اینجهت مخالف نیستم فقط مخالفم برای اینستکه رعایت تناسب نشده و حال اینکه بنا بود نظر بنده نفوس از آنها مثلاً برای اصفهان سابقاً سه نفر معین شده بود کم بوده و باینجهت کردند و همینطور کردستان را دیدند که کم است چهار نفر کردند اما آذربایجان را دیدند که همانطوریکه اول در نظامنامه خودشان تصدیق کردند صحیح است همان اندازه تصدیق کردند علاوه خاطر آقایان مسبق است که در انتخابات سابق کدو درجه بود و بخراسان حق انتخاب یازده نفر داده بودند در درجه اول دوازده نفر بشهید داده بودند که دویم بود که سه نفر یک نفر بدرجه دوم میشود

محمد هاشم میرزا - ملاحظه خواهند

فرمودند که مقصود اسم بردن دو نقطه و سه نقطه برای دادن یک وکیل نیست سابق جوین بام و سر ولایت و صفی آباد یک وکیل داشت و بسزوار یک وکیل بهمان نظریکه آقای حاج سید ابراهیم فرمودند تعداد نفوس سبزوار از یکمده و چهل و پنج هزار فرمودند که مقصود اسم بردن دو نقطه و سه نقطه برای دادن یک وکیل نیست سابق جوین بام و سر ولایت و صفی آباد یک وکیل داشت و بسزوار یک وکیل بهمان نظریکه آقای حاج سید ابراهیم فرمودند تعداد نفوس سبزوار از یکمده و چهل و پنج هزار

کرده بودند و جمعیت جوین راسی و نه هزار و یانصد نفر به صفی آباد و بام (۲۲) هزار و هفتصد نفر و سرولایت را (۲۲) هزار و یانصد نفر آنجا کمتر جمعیت داشت و جمعیت بسزوار زیادتر بود این بود که آقای حاج شیخعلی پیشنهادی کردند که هر یک علیحده یک نماینده داشته باشند ولی جوین و بسزوار هر دو باید یکدیگر متناسب هستند و جوین متصل است با خاک بسزوار و هه دور بسزوار هستند و شهرشان بسزوار است اگر چه حکومت نشینی آنها و حاکم آنها الان علیحده است و از مشهد میروند که الان هیچ مناسبتی از حیث حکومت با بسزوار ندارد و بام و سر ولایت حکومت علیحده دارد و جوین حکومت علیحده دارد و هشت قصبه بام و صفی آباد هشتاد پارچه ده دارد تصور نفرمایند که دارای پنج شش قصبه و یک جایی است که فقط یک سرزره است جوین مثل خلخال است که آقای منتصر السلطان فرمودند که حق از غاب یک نفر وکیل مستقیماً با آنجا باید داده شود ردها پارچه دارد از باب رعایت تناسب هم آقای حاج شیخعلی پیشنهادی فرمودند و قبول شد حالا اگر بعد از آن کمیسیون آن پیشنهاد را قبول ندارند و نظر ندارند به تناسب این سه محل بنده هیچ معارضه ندارم.

رئیس - مذاکرات در این باب کافی نیست (گفتند کافی است) مرکز حوزه انتخابیه سبزوار

تربت حیدری رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) حوزه تربت حیدری

تربت حیدری و بلوکات و محمولات خوانین یک نفر

رئیس - مخالفی نیست (اظهار کردند خیر) مرکز حوزه انتخابیه تربت

رئیس - مخالفی نیست (اظهار شد خیر) حوزه نیشابور

نیشابور و توابع یک نفر رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) مرکز حوزه انتخابیه نیشابور

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) حوزه قوچان

قوچان و شیروان یک نفر رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) مرکز حوزه انتخابیه قوچان

رئیس - مخالفی نیست (گفته شد خیر) حوزه بجنورد و اسفراین و جاجرم - یک نفر

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) مرکز حوزه انتخابیه بجنورد

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) حوزه طبرس

طبرس و تون پشرویه گناباد یک نفر رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) مرکز حوزه انتخابیه تون

رئیس - مخالفی نیست (اظهار شد خیر) جزء قاین پیرچند نه بندهان یک نفر

معدل الدوله - بنده همانطوریکه عرض

کرده ام اینکه جمعیت آنهاجا بیشتر از چند هزار نفر است حرفی ندارم لکن باید چنانکه در شور اول این قانون هم عرض کردم قایمات که مشتمل بر چندین

بلوک است که یکیش هم قاین است فقط از یک بلوک که قاین است اسم برده اند و از باقی اسم نبرده اند قاین اسم کلی این مملکت است و این مملکت را کلیه قایمات میگویند بطور میشود که سر کز تمام آنها را قاین قرار بدهیم بنده یک پیشنهادی کردم که اگر ملاحظه فرمائید توضیحش اینست که خوسف یک جایی است که از توابع قاین است و خارج از قاین است و در هه - میونسند که قاین و خوسف علاوه بندهان هم از حیث وضع طبیعی و وضع ایلات و غیره با قایمات مخالفت دارد و در جایی واقع است که جلگه مینا باشد و یک محل مخصوصی است که اهل تنس هم آنجا مسکن دارد اگر چنانچه این جور بنویسند و تصحیح عبارتی بشود که قاین و توابع و قاین خوسف و طبرس مسینا و نیشابان این یک صورت صحیح پیدا میکند و شامل همه قایمات می شود.

عده هه هاشم میرزا - لازم نیست که اسم بلوکات برده شود و قایمات هم صحیح است و اسم همه آنهاجا است ولی شیر قاین هم خودش جای معتبری است پیشنهادی دارد دیگر افغانه داد مالی است که مرکز قایمات است.

مرکز حوزه انتخابیه پیرچند رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) حوزه سیستان

سیستان یک نفر رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) حوزه سیستان

سیستان یک نفر رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) مرکز حوزه انتخابیه نصرت آباد

رئیس - مخالفی نیست (اظهار شد خیر) رئیس - پیشنهاد هائیکه رسیده است خواننده

میشود (پیشنهاد آقای افتخار الواعظین بسیار ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که دو نماینده سبزوار و مزینان که اشتهاً نوشته شده اینقسم معین شود که سبزوار و توابع یک نفر - جوین و بام و صفی - آباد و سر ولایت یک نفر

رئیس توضیح کداریه بازم توضیح دادید

افتخار الواعظین - به بازم توضیح دارم

رئیس - بفرمائید

افتخار الواعظین - یکمرتبه و اتملاً می خواهم

بمالی بام و صفی آباد و جوین و سر ولایت حق انتخاب بدهم یکمرتبه اینستکه نمیخواهم بآنها حق بدهم و فقط میخواهم اسمی از آنها برده باشیم

اگر نمی خواهیم حق انتخاب بدهیم آن جا را که ضمیمه بکنیم به بسزوار انتخاب هم در در سبزوار بمل بیاید و فقط دو نفر نماینده از سبزوار خواهد آمد بام سبزوار جوین و بام و صفی آباد و سرولایت ولی اگر حقیقتاً بخواهم بام و صفی آباد و جوین و سرولایت حق انتخاب یک نفر وکیل بدهیم بنده عرض میکنم که آنجا نباید علیحده یک حوزه انتخابیه داشته باشد و بخودش حق انتخاب یک وکیل بدهند که امالی جوین و بام و صفی آباد و سرولایت خودشان جمع شوند و یک نفر وکیل انتخاب بکنند و اعتبار نامه خودشانرا بدست او بدهند و بفرستند بطهران و ابداً مربوط نباشد که انتخاب آنجا بیاید

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) مرکز حوزه انتخابیه بجنورد

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) مرکز حوزه انتخابیه بجنورد

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) مرکز حوزه انتخابیه بجنورد

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) مرکز حوزه انتخابیه بجنورد

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) مرکز حوزه انتخابیه بجنورد

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) مرکز حوزه انتخابیه بجنورد

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) مرکز حوزه انتخابیه بجنورد

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) مرکز حوزه انتخابیه بجنورد

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) مرکز حوزه انتخابیه بجنورد

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) مرکز حوزه انتخابیه بجنورد

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) مرکز حوزه انتخابیه بجنورد

بسیار باید خود آنها انتخاب کنند و بینند اکثریت باکیت اورا بفرستند حالا اگر آقایان میخواهند حق بدمند سزوار را یک نفر بنویسند و آن باقی دیگر را هم یک نفر بهتر است که مستقلا حق انتخاب یک نفر وکیل داشته باشند.

**رئیس** - کمیسیون چه میگوید.  
**ذکاء الملک** - دلائل اینکه اینجاها ما یک حوزه انتخابیه کردیم آقای محمد هاشم میرزا گفتند.

**رئیس** - رأی میگیریم پیشنهاد آقای افتخار الواعظین آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قیام نمودند).

**رئیس** - قابل توجه نشد - آقای متین السلطنه پیشنهاد جنابالی هم همین است آنکه رد شد دیگر اینرا رأی نمیگیریم - (پیشنهاد آقای معزز الملک بمبارت ذیل قرائت گردید)

مشهد - چناران - رادکان - بیره زن - دزداب - ارومه - میان ولایت - سرخام - شادکان - چرانی خانه - اخویرد - جام - باخرز - چهار نفر.

**معزز الملک** - توضیح بنده خیلی مختصر است جام و باخرز که آنجا نوشته شده باقی توابع را هم بنده خواستم اسم برده شود که معلوم شود آنها هم حق دارند داخل شوند و شرکت کنند در انتخابات.

**ذکاء الملک** - صحیح است ایشان تصرفی نکردند فقط توضیح دادند ضروری ندارد.

**رئیس** - همینطور نوشته شود.  
**ذکاء الملک** - نوشته شود بهتر است.

**رئیس** - اصلاح آقای حاج سید ابراهیم (بمبارت ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم برای مشهد و چناران و رادکان و سایر بلوک سه نفر معین شود.

**حاج سید ابراهیم** - اجمالا عرض کردم که مقصود رعایت تناسب است در این حوزه بندی ها و از قرار اظهاراتی که خود شاهزاده محمد هاشم میرزا غالباً از روی آن کتاب میفرمودند جام و باخرز و آنجاها دویست هزار نفر بیشتر جمعیت ندارد و بیش از سه وکیل نباید بآنها بدهند و بنده تعجب در اینست که شور اول نماینده خراسان (۱۶) نفر بوده و بعد هیئت دولت که چهل نفر را کم کرد چهارده نفر برای خراسان پیشنهاد کرد از خراسان هم دوازده نفر کرد چنانچه همه جا کم کرد بنده حالا می بینم از همه جا کم شده است ولی برای خراسان یک نفر زیاد شده است در هر حال بنظر بنده عیب در بی تناسب بودن حوزه بندیها است و از همین جا است که بنده پیشنهاد کرده ام که آن یک نفر بیکه اضافه شده برداشته شود که رعایت تناسب حوزه بندی بشود.

**ذکاء الملک** - اینطور نیست که میفرمایند اول آن یک نفر بیکه میفرمایند که اضافه شده است و مطابق رأی دولت است دولت برای آذربایجان هم (۱۸) نفر معین کرده بود ما یک نفر اضافه کردیم و این یک نفر که اضافه شده است فقط برای سیستان بود نه برای خراسان.

**رئیس** - رأی میگیریم باین اصلاح آقای حاج سید ابراهیم آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (معدودی قیام نمودند).

متین السلطنه (اصلاح مزبور بمبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که عده نمایندگان مشهد سه نفر معین شود و جام و باخرز یک نفر که حوزه جام و باخرز از حوزه مشهد تجزیه شود.

**متین السلطنه** - اولاً از حیثه و جمعیت چنانچه گفته شد مشهد و توابع یک میزان صعبی در دست دارند و میدانند که مشهد و توابع خودش سیصد هزار نفر جمعیت دارد و این از روی صحت است و هیچ نمیتوان گفت که غیر از این است فقط چیزیکه هست جام و باخرز را علاوه کرده اند که بجهت علاوه شدن آنجا یک نفر علاوه شود و جمعیت خود جام پانزده هزار و خورده است و جمعیت باخرز هفتاد هزار نفر است شاید با توابع و قصباتی که دارند بتوان گفت که از صد هزار نفر ده هزار نفر یا بیست هزار نفر کم دارند ولی در هر صورت برای هشتاد هزار نفر آسمن بشهد و رأی دادن در مشهد یک قدری بی انصافی است تعیین میشود آن ایراداتی را که راجع به جمعیت کردیم اینجا هم بجهت اینکه مردم نتوانند آمد بشهد که رأی بدهند و در این پیشنهادیکه بنده کرده ام بعد از جام و باخرز کلمه توابع اضافه شده است دوسه نفر برای مشهد و توابع میشود و یک نفر برای جام و باخرز و توابع.

**رئیس** - کمیسیون قبول نمیکند.  
**ذکاء الملک** - خیر.

**رئیس** - رأی میگیریم در قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (بعضی قیام نمودند).

**رئیس** - رد شد - (اصلاح آقای لواء الدوله بمبارت ذیل قرائت شد).

بنده پیشنهاد میکنم که برای مشهد و توابع چهار نفر و برای جام و باخرز یک نفر نماینده داده شود.

**لواء الدوله** - عرض میکنم بنده بنظر همان تخمین توضیح میدهم بجهت اینکه آقایانیکه توضیح میدهند از تخمین خارج نمیشوند و بنظر من نیست از روی نظر تخمین مشهد و توابع چهار صد هزار نفر جمعیت دارد و جام و باخرز که پانزده هزار نفر از صد هزار نفر کم دارند اهمیت ندارد که ما حقوق هشتاد و پنج هزار را ضایع کنیم برای پانزده هزار نفر و یک نفر را کم نکنیم این یک نفر کم و زیاد شود اهمیت ندارد.

**ذکاء الملک** - اگر یک نفر اهمیت ندارد از طرف کمی اگر ملاحظه شود بهتر است.

**رئیس** - اصلاح آقای کاشف (بمبارت ذیل قرائت شد).

اصلاح راجع بحوزه بندی خراسان - بنده پیشنهاد می کنم که نوشته شود مشهد و توابع چهار نفر.

**کاشف** - پیشنهادی شد راجع بشهد و توابع راهم اسم برده بودند ولی باز ممکن است بعضیها بقلم نیامده باشد وقتی که بنام اسمی توابع تماماً ذکر نشود شاید همچو تصور بشود که سایرین حق انتخاب ندارند اینکه بنده توابع نوشتم توابع هم جامع است و اشتباه هم نخواهد شد از اینجهت بنده پیشنهاد را کردم.

**ذکاء الملک** - یک پیشنهادی شده بود که توابع را هم اسم برده بودند ولی باز ممکن است بعضیها بقلم نیامده باشد وقتی که بنام اسمی توابع تماماً ذکر نشود شاید همچو تصور بشود که سایرین حق انتخاب ندارند اینکه بنده توابع نوشتم توابع هم جامع است و اشتباه هم نخواهد شد از اینجهت بنده پیشنهاد را کردم.

**رئیس** - قابل توجه نشد - اصلاح آقای

اصلاح راجع بحوزه بندی خراسان - بنده پیشنهاد می کنم که نوشته شود مشهد و توابع چهار نفر.

**کاشف** - پیشنهادی شد راجع بشهد و توابع راهم اسم برده بودند ولی باز ممکن است بعضیها بقلم نیامده باشد وقتی که بنام اسمی توابع تماماً ذکر نشود شاید همچو تصور بشود که سایرین حق انتخاب ندارند اینکه بنده توابع نوشتم توابع هم جامع است و اشتباه هم نخواهد شد از اینجهت بنده پیشنهاد را کردم.

اصحابه است که در وزارت داخله و آقایان دیده اند و فائزات و توابع این دو قسمت را دویست هزار نفر جمعیت نوشته اند - حالا اگر باید دویست هزار نفر یک نفر بدهند بنده حرفی ندارم.

**ذکاء الملک** - متکسر نمی شوم که جمعیت خراسان زیاد است ولی برای آن مطلبی که در نظر داشتم آن مآخذی که معین کردیم برای تعیین نمایندگان احصائیه بوده است بجهت اینکه در یک نقطه که نقطه ملک احصائیه شده است و در باقی نشده است و در صورتی میتوانم از روی احصائیه حق انتخاب نماینده بدیم که تمام ملک دارای احصائیه شده باشد و وقتی که تمام ملک احصائیه بشود آنوقت تمام ملک از روی احصائیه نماینده داده میشود والا اگر یکی از روی احصائیه بدهند یکی را از روی تعیین این بنظر بنده خیلی بی مناسبت میشود اینستکه تمام را از روی تعیین ظاهری تقسیم کرده اند و اینقسم حق انتخاب نماینده بآنها داده اند.

**رئیس** - قابل توجه نشد اصلاح آقای هشتودی (بمبارت ذیل قرائت شد).

بنده پیشنهاد میکنم که عده و کلاب خراسان شازده باشد.

**هشتودی** - چون بنده اطمینان پیدا کردم از فرمایشات آقایان نمایندگان خراسان و آن تعداد نفوس که میگویند لهذا عرض میکنم که (۱۵) نفر برای آنجا کم است و در آذربایجان که میتوانستیم که بیش بهریم بجهت این بود که مجلس مساعدت نکرد گذشت ولی حالا اگر مجلس مساعدت کند برای خراسان همین ۱۶ نفر را پیشنهاد میکنم که آن یک نفر هم جزء مشهد و رادکان باشد.

**رئیس** - آقای مغیر قبول دارید این اصلاح را.

**ذکاء الملک** - بنده عرض خودم را کردم.

**رئیس** - پس رأی میگیریم آقایانیکه این پیشنهاد آقای هشتودی را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قیام نمودند).

**رئیس** - قابل توجه نشد حالا رأی میگیریم به لایحه کمیسیون که عده نمایندگان خراسان را (۱۶) نفر معین کرده است آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

**رئیس** - تصویب شد.

**محمد هاشم میرزا** - پس بنده پیشنهاد خودم را مسترد میدارم بجهت اینکه پیشنهاد کمیسیون تصویب شد.

**رئیس** - یک مطلب دیگر جزء دستورات است که باید رأی داده شود و مجلس ختم شود و آن رایبورت کمیسیون بوده راجع بپروژه مرحوم وکیلالتجار است یعنی تکلیف این مسئله باید معین بشود.

(رایبورت مزبور بمبارت ذیل قرائت شد) لایحه وزارت مالیه راجع بورات مرحوم وکیلالتجار قرائت گردید نظر بخدمتیکه مرحوم وکیلالتجار در ابتدای مشروطیت و دوره انقلاب در راه آزادی نموده وزارت مالیه پیشنهاد نموده بودند مبلغ پنجاه تومان ماهیانه در باره وراث قانونی مرحوم مزبور برقرار شود پس از مذاکرات لازم کمیسیون با اکثریت ماهیانه بیست تومان تصویب مینماید.

ماده - مبلغ بیست تومان ماهیانه در باره وراث قانونی مرحوم وکیلالتجار پانزده ساله برقرار میشود.

**حاج سید ابراهیم** - کلیه در خیلی از تصویبات مجلس بنده مخالفم که کلمه ماهیانه قید میشود و این اسباب زحمت وزارت مالیه میشود که صاحبان آن ماهیانه از وزارت مالیه مطالبه میکنند و سایر ارباب حقوق سالیانه داده میشود هیچ جهت

دارند و حق داشته اند اضافه کنند و همانطور دوتو نفر باشد **رئیس** - رأی میگیریم اول در قسمتی که راجع است بشهد و توابع آقایانیکه اصلاح آقای اردبیلی را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند).

**رئیس** - قابل توجه نشد یک فقره هم که راجع به طبس است آن را هم باید رأی گرفت آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نه نمودند).

**رئیس** - قابل توجه نشد اصلاح آقای هشتودی (بمبارت ذیل قرائت شد).

بنده پیشنهاد میکنم که عده و کلاب خراسان شازده باشد.

**هشتودی** - چون بنده اطمینان پیدا کردم از فرمایشات آقایان نمایندگان خراسان و آن تعداد نفوس که میگویند لهذا عرض میکنم که (۱۵) نفر برای آنجا کم است و در آذربایجان که میتوانستیم که بیش بهریم بجهت این بود که مجلس مساعدت نکرد گذشت ولی حالا اگر مجلس مساعدت کند برای خراسان همین ۱۶ نفر را پیشنهاد میکنم که آن یک نفر هم جزء مشهد و رادکان باشد.

**رئیس** - آقای مغیر قبول دارید این اصلاح را.

**ذکاء الملک** - بنده عرض خودم را کردم.

**رئیس** - پس رأی میگیریم آقایانیکه این پیشنهاد آقای هشتودی را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قیام نمودند).

**رئیس** - قابل توجه نشد حالا رأی میگیریم به لایحه کمیسیون که عده نمایندگان خراسان را (۱۶) نفر معین کرده است آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

**رئیس** - تصویب شد.

**محمد هاشم میرزا** - پس بنده پیشنهاد خودم را مسترد میدارم بجهت اینکه پیشنهاد کمیسیون تصویب شد.

**رئیس** - یک مطلب دیگر جزء دستورات است که باید رأی داده شود و مجلس ختم شود و آن رایبورت کمیسیون بوده راجع بپروژه مرحوم وکیلالتجار است یعنی تکلیف این مسئله باید معین بشود.

(رایبورت مزبور بمبارت ذیل قرائت شد) لایحه وزارت مالیه راجع بورات مرحوم وکیلالتجار قرائت گردید نظر بخدمتیکه مرحوم وکیلالتجار در ابتدای مشروطیت و دوره انقلاب در راه آزادی نموده وزارت مالیه پیشنهاد نموده بودند مبلغ پنجاه تومان ماهیانه در باره وراث قانونی مرحوم مزبور برقرار شود پس از مذاکرات لازم کمیسیون با اکثریت ماهیانه بیست تومان تصویب مینماید.

ماده - مبلغ بیست تومان ماهیانه در باره وراث قانونی مرحوم وکیلالتجار پانزده ساله برقرار میشود.

**حاج سید ابراهیم** - کلیه در خیلی از تصویبات مجلس بنده مخالفم که کلمه ماهیانه قید میشود و این اسباب زحمت وزارت مالیه میشود که صاحبان آن ماهیانه از وزارت مالیه مطالبه میکنند و سایر ارباب حقوق سالیانه داده میشود هیچ جهت

ندارد که بعضی ماهیانه باشد و بعضی سالیانه پس ملاحظه اینکه کلیه حقوق جزء شصت دیون عمومی است و سالیانه است نباید بعنوان ماهیانه تصویب شود و بنده میدانم از وقتی که ترتیبات ماهیانه پیش آمده اسباب زحمت وزارت مالیه شده است و عقیده بنده این است که اگر هم پیشنهاد میشود سالیانه باشد مثل تمام حقوق و عطایات دولت و همایش یک رشته و بیسک نسق باشد.

**افتخار الواعظین** - امیدوارم که مجلس شورای ملی کمال مساعدت را بفرماید که این مسئله امروز بگذرد و چون بنده میدانم که این بیست تومان صرف تعلم پسر مرحوم وکیلالتجار خواهد شد و برای مخارج کسب و کارش نیست و مخارج تعلم هم ماهیانه است تصور میکنم اگر ماهیانه تصویب شود که صرف تربیت و تعلم اطفال او از بازماندگانش هستند بهتر باشد.

**حاج شیخ الرئیس** - بنده نظر بسوابق اطلاعی که دارم از خدمات مرحوم سابق الذکر میتوانم تصویب کنم برای ورثه او که بیش از این هم داده شود ولی برای اینکه سابقه نشود البته باین نظر تصویب نمیشود بهمان نظریکه آقایان نمایندگان محترم مکرر فرمودند برای تربیت و تعلم و ترقی پسر و دختر او که از بازماندگان او هستند داده میشود و بهمین جهت من ورثه قانونی را تجویز نمیکنم زیرا که زن هم ورثه قانونی است و این مبلغ برای تعلم اطفال او است.

**رئیس** - دومتوبه قرائت میشود رأی میگیریم (مجدداً قرائت شد).

**رئیس** - آقایانیکه تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد و آقایانیکه رد میکنند ورقه کبود (اوراق رأی اخذ و آقای حاج میرزا رضاخان احصاء نمودند ورقه سفید (۴۵) ورقه آبی (۱) ورقه بلا اسم (۴).

**رئیس** - با اکثریت (۴۵) رأی از (۷۲) نفر نمایندگان حاضر تصویب شد دستور فردا ساعت یزروب نماند بقیه قانون انتخابات رایبورت کمیسیون بودجه راجع بابای لطف الله و سیف المجهادین.

**حاج سید ابراهیم** - بنده مخالفم با اینکه تا قانون انتخابات نگردد چیز دیگری جزء دستور شود و عقیده بنده اینستکه یکروز نبودن مجلس برای مملکت مضرات و نایب هیچ چیز دیگری غیر از قانون انتخابات جزء دستور باشد که زودتر قانون انتخابات تمام شود و در این یکماه که بدووه جدید باقی مانده است اعلان انتخابات بشود که شروع بانقلاب بشود آنوقت مجلس منقصل شود نهایت جاره است که ما از برای مملکت بکنیم این است که عرض کردم که غیر از نظامنامه انتخابات چیز دیگری جزء دستور نشود.

**رئیس** - این مطلبی که جزء دستور گذاشته ایم بدون مذاکره خواهد گذشت و ممکن است پنج دقیقه بگذرد و در واقع چیزی که در دستورات همان قانون انتخابات است.

**ادیبالتجار** - بنده استدعا میکنم که ماده قانونی که پیشنهاد کرده ایم بامضاء (۴۱) نفر نمایندگان محترم جزء دستور بگذارید که قرائت شود.

**رئیس** - قرائت میشود (مجلس یکساعت و ربع از شب ختم شد).

**رئیس** - قرائت میشود (مجلس یکساعت و ربع از شب ختم شد).

**رئیس** - قرائت میشود (مجلس یکساعت و ربع از شب ختم شد).

**رئیس** - قرائت میشود (مجلس یکساعت و ربع از شب ختم شد).

**رئیس** - قرائت میشود (مجلس یکساعت و ربع از شب ختم شد).

**رئیس** - قرائت میشود (مجلس یکساعت و ربع از شب ختم شد).

جلسه ۳۰۷  
صورت مشروح وزیرکشیه  
۳۱ شهریور ۱۳۲۹

مجلس سه ساعت و ربع کم قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤمن‌الملک افتتاح گردید صورت مجلس روز شنبه ۲۰ را آقای میرزا رضا خان نائینی قرائت نمودند غائبین جلسه قبل بدون اجازه میرزا علی اکبر خان دمعدا - آقا سید محمد باقر ادیب حاج امام جمعه -

مریض - آقای حاج آقا - آقای حاج وکیل الرهايا ۴۰ دقیقه از وقت مقرر تأخیر نموده اند با اجازه - آقای دکتر لقمان

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست  
دکتر حاج رضاخان - در کلیات نوشته

که بنده مخالف بودم مخالف با این نبودم که از حق انتخاب محروم خواهند شد بجهت اینکه انجمن نظار جز را میبرد آنجا ما رأی هم میدهند بنده آنها را از وکیل داشتن محروم می دانستم باین معنی که قراء و قصبات با این انتخاب جمعی محروم خواهند بود از داشتن نمایندگی

حاج سید ابراهیم - بنده در حوزه بندی خراسان و سبزوار گفتم که حوزه ها متناسب نیست نه اینکه آن حوزه غیر متناسب است بلکه گفتم با سایر حوزه تناسب ندارد

رئیس - این دو فقره اعتراض همینطور اصلاح میشود دیگر ملاحظاتی نیست در صورت مجلس آقا میرزا احمد - در غالب صورت جلسات که نوشته شده است خوانده میشود که صورت مجلس قبل قرائت شد دیگر نیتویسد که تصویب شد بعد از قرائت تصویب شد تا اینکه سند باشد برای یک وقتی که مجلس محتاج باشد

رئیس - به صحیح است دیگر ملاحظاتی نیست (ملاحظاتی نبود)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد دست خطی از آقای آیت‌الله خراسانی رسیده است قرائت میشود دستخط مزبور بعبارت ذیل قرائت شد

مقام مقدس نیابت سلطنت عظمی دامت عظمی مجلس محترم شورای ملی شیدالله تالی ارضکانه تمام مجاهدات و زحمات چند ساله که در استحکام اساس مشروطیت تحمل شد برای حفظ استقرار مملکت اسلامی و ترویج شریعت و شرع اسلام و دفاع ظلم و بسط عدل و امر بمعروف و نهی از منکر و ترقیه حال رعیت بوده جماعتی این مطالب را از لوازم مشروطیت دانسته و میدانند لیکن اسفاً بواسطه سوء استعمال و داخل بودن اشخاص سفیه در امور مملکت و اعمال و اغراض تا کنون نتیجه بی‌داده موجبات تنفر عموم را فراهم و مشروطیت را بد نام و تا بحال مکرر کتبا و تلگرافاً جمیع این مفاسد را خاطر نشان اولیای دولت و وکلای ملت نموده همه را به مسامحه گذرانیده در مقام اصلاح مفاسد و تدارک مافات بر نیامده دفاع و نهی اکید از منکرات و کفریات نفروموده عقابت وخیم خواهد بود آنچه در عهده داشته اعلام نموده که عندالله تعالی مشول نباشد انشاءالله روابطه بین دول و ملل از دست

نمهند نادرسایه این استقلال مملکت اسلامی محفوظ بماند محمد کاظم

رئیس - مجلس شورای ملی همیشه مکرر بر مکرر استیضاح و استیضاحات شخصی در باب منکرات و منهیات شرعیه از وزراء کرده است مجلس شورای ملی اساسش بر شریعت مطهره نبوی است وظیفه خود را بخوبی میدانند و بشیر از شرفت احکام شرعیه قصد دیگری ندارد و حالام که این دستخط حضرت آیت‌الله قرائت شد بنده از طرف مجلس تأکید بلینی بهیشت وزراء خواهم نمود که اقدامات سخت بشودو نتیجه مطاوبه بدست بیاید صوم نمایندگان تصدیق کردند قانون انتخابات شروع میشود حوزه انتخابیه

خمسه بعبارت ذیل قرائت شد  
زنجان - اهر رود - طارمات - افشار - ادیار انگوران - دوریان ۳ نفر

حاج سید ابراهیم - بنده در لفظ طارمات اشکال داشتم و این اسمیکه برده میشود برای این است که محل انجمن جزء همین شود و طارمات هم لفظ عام است برای چندین نقطه است که مرکز این نقطه را بطور وضوح بیان کنند که درست معلوم شود

دکتر الملک مخبر کمیسیون - این است که طارمات نوشته شده است یکی طارم علیاست و یکی طارم سفلی

ادیب النجار - بنده بالفظ طارمات که بلفظ جمع است مخالفم و همان طور که گفته شد طارم طایا و طارم سفلی جزء خمس طارم سفلی جزو قزوین بوده است و حالا هم پیشنهاد کرده‌ام که طارم سفلی جزء قزوین شود

رئیس - دیگر مخالفی هست (خیر) پیشنهاد ادیب‌النجار قرائت میشود  
پیشنهاد مزبور بعبارت ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد می‌کنم حوزه انتخابیه خمس بعبارت ذیل نوشته شود

خمس - زنجان - اهر رود - طارم علیا الی آخر  
دکتر الملک - ارم علیا را اگر تنها جزء خمس بکنیم آنوقت عده زنجان بالنسبه کم میشود همینطور طارم سفلی راهم اگر جزو قزوین بکنیم آنوقت نسبت بین زنجان و قزوین درست نمیشود

رئیس - مخبر قبول نمیکند پس رأی میگیریم آقایانیکه پیشنهاد ادیب النجار را قابل توجه میدانند قیام نمایند کسی قیام ننمود

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای زنجانی قرائت میشود  
پیشنهاد مزبور بعبارت ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد می‌کنم که حوزه انتخابیه خمس بعبارت ذیل نوشته شود

خمس - زنجان - اهر رود - طارم علیا الی آخر  
دکتر الملک - ارم علیا را اگر تنها جزء خمس بکنیم آنوقت عده زنجان بالنسبه کم میشود همینطور طارم سفلی راهم اگر جزو قزوین بکنیم آنوقت نسبت بین زنجان و قزوین درست نمیشود

رئیس - مخبر قبول نمیکند پس رأی میگیریم آقایانیکه پیشنهاد ادیب النجار را قابل توجه میدانند قیام نمایند کسی قیام ننمود

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای زنجانی قرائت میشود  
پیشنهاد مزبور بعبارت ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد می‌کنم که حوزه انتخابیه خمس بعبارت ذیل نوشته شود

خمس - زنجان - اهر رود - طارم علیا الی آخر  
دکتر الملک - ارم علیا را اگر تنها جزء خمس بکنیم آنوقت عده زنجان بالنسبه کم میشود همینطور طارم سفلی راهم اگر جزو قزوین بکنیم آنوقت نسبت بین زنجان و قزوین درست نمیشود

رئیس - مخبر قبول نمیکند پس رأی میگیریم آقایانیکه پیشنهاد ادیب النجار را قابل توجه میدانند قیام نمایند کسی قیام ننمود

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای زنجانی قرائت میشود  
پیشنهاد مزبور بعبارت ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد می‌کنم که حوزه انتخابیه خمس بعبارت ذیل نوشته شود

خمس - زنجان - اهر رود - طارم علیا الی آخر  
دکتر الملک - ارم علیا را اگر تنها جزء خمس بکنیم آنوقت عده زنجان بالنسبه کم میشود همینطور طارم سفلی راهم اگر جزو قزوین بکنیم آنوقت نسبت بین زنجان و قزوین درست نمیشود

کن - سولقان - لواسانات - شیرانات - قصران - ورد - شهرستانک ۱۰ نفر  
رئیس - مخالفی هست

بهبخت - در حوزه انتخابیه طهران دونظر ملاحظه میشود یکی نظری است که سابق عرض کردم و آن تجزیه بلوکات دور دست است از مرکز انتخابیه در آن خصوص عرض میکنم و لی در عده نمایندگان که تقریباً پنج شش نفر باید زیاد شود تعجب میکنم که در پایتخت چرا ملاحظه نشده و این مرضیکه میکنم گویا سندیست داشته باشد بجهت اینکه همیشه نظریات ما مهملوف بهطهران است و بسایر نقاط ملاحظه نمیکند و اگر آقایان ملاحظه آن ترتیب سابق را بکنند که باآذربایجان ۱۹ نفر نماینده داده بودند بطهران هم ۱۵ نفر داده بودند و اگر ما فرض این را بکنیم که برای شهر طهران ۱۵ نفر زیاد است البته توابع هم دخیل است و انجمنهای نظار جزء هم تشکیل میشود اگر اینطور نظر را ملاحظه کنیم که برای طهران زیاد میشود و اگر میگوئیم برای تمام این حوزه ها زیاد است باید دلیل احصائیه بیآوریم که احصائیه شده باشد که مطابق احصائیه این حق را از ایشان گرفته باشیم مادامیکه احصائیه در دست نداریم نمیتوانیم این حرف را بزنیم پس حدس و تخمین است و حدس و تخمین هم که نمیتوانیم ثابت کنیم جمعیت فلان جا چه اندازه است پس کم کردن از عده یا فرجه نفر صحیح است و تمییز شود تغییر داد و اینکه میافزاییم بملاحظات میافزاییم یعنی بملاحظه مال اندیشی و خصوصیات دیگر مثل اینکه همان ملاحظات بابلات حق انتخاب یکتفر میدهم در پایتخت که نمایندگان از همه جا باید انتخاب شود و نظری هم در انتخاب سایر جاها باید داشته باشند آنوقت میآئیم کم میکنیم در این خصوص خیلی بیعاید میدانم که این یکتفر کم شود لهذا بنده عقیده ام این است و پیشنهادی هم کرده‌ام که عده نمایندگان طهران ۱۵ نفر باشد و تمنا میکنم که آقایان در این پیشنهادی که بنده کردم رأی دهند و اعتقاد هم این است که این عده تقسیم شده بشقاط دور دست حالا مجلس در اینخصوص رأی بدهد یا نه در جزء پیشنهاد خودم قرار ندادم

محمد هاشم میرزا - اینکه آقای بهبخت دلیل آوردند که چون ۱۵ نفر بوده است نباید دست بخورد باین دلیل اگر بخواهیم ملاحظه کنیم اول طهران ۶۰ نفر وکیل داشت و ممکن است شصت نفر بنویسند ولی آنکسانیکه ۱۰ نفر نوشته اند و مدتی هم در کمیسیون معطل شده اند بانحقیقات ایندمر اعمین کرده اند و مطابق واقع هم نوشته اند اولاجمعیته خود طهران بر تبتائیکه در نزد حاکم و وزیر است قبول داریم

رئیس - رأی میگیریم بحوزه انتخابیه ساوه و زرنده آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند اغلب قیام نمودند

رئیس - با اکثریت تصویب شد حوزه ساوه و زرنده  
رئیس - مخالفی هست

حاج عز الملک - اینجا باعتقاد بنده باید بعضی اسمهای زیاد شود و خلجستانی هست که باید نوشته شود و محلهای دیگر هم هست پیشنهاد میکنم که آنطور نوشته شود

بهبخت - بنده مسیو نیستیم اگر دو خلجستان است که مخالف نیستیم اگر یک خلجستان است که جزء عراق شده است

مخبر - دو خلجستان است یکی جزء عراق است و یکی جزء ساوه هم بوده  
رئیس - دیگر مخالفی نیست آقای حاج عز الملک پیشنهاد خواهد کرد

حاج عز الملک - به  
رئیس - تا پیشنهاد برسد حوزه شاهرود بسطام قرائت می شود بترتیب ذیل قرائت شد شاهرود بسطام زردین توابع ۱ نفر

رئیس - مخالفی هست مغالفی نبود مرکز انتخابیه شاهرود

رئیس - رأی میگیریم بحوزه انتخابیه شاهرود و بسطام آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند اغلب قیام کردند

رئیس - با اکثریت تصویب شد پیشنهاد حاج عز الملک راجع ساوه و زرنده رسیده قرائت میشود پیشنهاد مزبور بعبارت ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد می‌کنم که حوزه انتخابیه ساوه و زرنده این طور نوشته شود

ساوه - زرنده - خلجستان - مزلقان بجای و توابع  
مخبر - ضروری ندارد این اصلاح عبارتی است قبول داریم

رئیس - رأی میگیریم بحوزه انتخابیه ساوه و زرنده آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند اغلب قیام نمودند

رئیس - با اکثریت تصویب شد حوزه انتخابیه طهران قرائت میشود

طهران - غار - قشاقویه - سوار - ورامین - شهریار - ساوجبلاغ - اشتهارد - برقان - فشنه - هم برای فیروز کوه و دماوند نوشته بودند که جمعاً اینجا بنده یک نظر دیگر دارم و آن اینست که ما

ده نفر بشود اعضای کمیسیون ملاحظاتی که آقایان میفرمایند یکتفر دیگر اضافه نمودند بدون فیروز کوه و دماوند ۱۰ نفر میشود طهران بیشتر در ۴۰ هزار نفر و توابع بیشتر از یک کرو جمعیت ندارد زیرا تمام عرض و طول بلوکات همه معین شده است و این یک چیزی نیست که بواسطه دوری راه درست دقت نشده باشد و در دوره اول که بلوکات را جداجا وکیل داده بودند مثلاً غار و قشاقویه یکتفر خوار و ورامین یکتفر و همچنین سایر نقاط جزء هر کدام از اینها را حق یکتفر وکیل داده اند و روی هم رفته ده نفر داده اند حالا اگر میگویند در این نقاط جزء اشتباه شده است بگویند کدام است اگر بملاحظه دیگری آقایان تصور میکنند که اینجا پایتخت است و نمایندگان شان بهتر است و باید بیشتر نمایند داد این ملاحظه هم مدخلیتی در انتخابات ندارد بواسطه اینکه اگر این ملاحظه را میخواستیم بکنیم باید در باب شهرهای دیگر هم بکنیم و آذربایجان که از تمام ولایات تمدنش بهتر است پس باید بآنها هم حق اضافه وکیل بدیم و اگر ملاحظه کنیم خواهیم دید که در تهران هر صد هزار نفر یک وکیل داده ایم و در سایر نقاط بهر ۱۲۰ هزار نفر یک وکیل میدهم هیچ تصور نمیکنم آقایانیکه کلیه مقر بودند برای تناسب باید راضی نشوند که بیشتر ارده نفر وکیل بطهران داده شود و اگر آقایان این نظر را دارند که از طهران که مردمانش هوشمند و متممن ترند زیادتر انتخاب شود عرض میکنم که از اطراف هم آنها را میشناسند و وکیلشان هم میکنند اگر نقطه نظریات مفرماند والا از این نقطه نظر بنده تصویب نمیکنم که علاوه بر آنچه دولت تصویب کرده است اضافه شود و مخالفم که یکتفر وکیل برای تهران اضافه کنند چه رسد به پنجتفر

افتخار الواعظین - مخالفت بنده در باب وکلای طهران از دو حیث است یکی از حیث عده است و یکی از حیث شرایطش که بنده لازم میدانم است که در انتخاب شوندگان و منتخبین ملت قید شود که بصیرت بر مقتضای مملکتی داشته باشند و پیشنهادی هم کرده ام و آقای مخبر فرمودند که این مسئله یک چیزی است که در اشخاص نمیتوان تشخیص داد که کی بصیرت و کی نیست ولی آن قدر معلوم است که اشخاص لایق در طهران بیشتر پیدا میشوند تا در سایر نقاط ایران که اگر چنانچه علماء و مصلحین که امروز از برای حاضر کردن و فراهم نمودن حوائج این مملکت است خواسته باشیم پیدا کنیم در طهران بیشتر از سایر جاهای دیگر میتوانیم پیدا کنیم و از قرارای هم که بنده شنیده ام و صحت و سقمش را نمیدانم میگویند دوهرجا پایتخت ها را یک حقی زیاد از ایالات ولایات میدهند مثلاً اگر در سایر ایالات ولایات بهر صد هزار نفر حق یکتفر وکیل میدهند در اروپا این رسم است که در پایتخت بر هر پنجاه هزار نفر جمعیت حق یکتفر وکیل میدهند و چهار صد هزار نفر نیرسد و حق نماینده طهران را مثل شهرهای دیگر که صد و صد هزار نفر یک وکیل داده اند

حاج شیخعلی - بنده خیلی متعجبم از این نقطه نظری که بعضی از آقایان دارند که خیلی ضدیت دارد با آن نقطه نظری اولیشان میفرمایند نباید عده زیاد شود و در جمع مرانها هم نوشته است متناسب آنوقت باز بجهت طهران پیشنهاد میکنند ۱۵ نفر طهران دیگر جائی نیست که مانند انبند دو سال است بنده در طهران هستم شاید بیک اندازه اطلاع حاصل کرده باشم اگر بخواهم از روی جمیعت بطهران حق وکیل بدیم بعقیده بنده بیشتر از ۲۷ نفر حق نماینده ندارد و اگر مطابق احصائیه و عده جمعیت ملاحظه شود چهار صد هزار نفر نیرسد آنوقت اطراف طهران را مثل شهرهای دیگر که صد و صد هزار نفر یک وکیل داده اند

حاج شیخعلی - بنده خیلی متعجبم از این نقطه نظری که بعضی از آقایان دارند که خیلی ضدیت دارد با آن نقطه نظری اولیشان میفرمایند نباید عده زیاد شود و در جمع مرانها هم نوشته است متناسب آنوقت باز بجهت طهران پیشنهاد میکنند ۱۵ نفر طهران دیگر جائی نیست که مانند انبند دو سال است بنده در طهران هستم شاید بیک اندازه اطلاع حاصل کرده باشم اگر بخواهم از روی جمیعت بطهران حق وکیل بدیم بعقیده بنده بیشتر از ۲۷ نفر حق نماینده ندارد و اگر مطابق احصائیه و عده جمعیت ملاحظه شود چهار صد هزار نفر نیرسد آنوقت اطراف طهران را مثل شهرهای دیگر که صد و صد هزار نفر یک وکیل داده اند

حاج شیخعلی - بنده خیلی متعجبم از این نقطه نظری که بعضی از آقایان دارند که خیلی ضدیت دارد با آن نقطه نظری اولیشان میفرمایند نباید عده زیاد شود و در جمع مرانها هم نوشته است متناسب آنوقت باز بجهت طهران پیشنهاد میکنند ۱۵ نفر طهران دیگر جائی نیست که مانند انبند دو سال است بنده در طهران هستم شاید بیک اندازه اطلاع حاصل کرده باشم اگر بخواهم از روی جمیعت بطهران حق وکیل بدیم بعقیده بنده بیشتر از ۲۷ نفر حق نماینده ندارد و اگر مطابق احصائیه و عده جمعیت ملاحظه شود چهار صد هزار نفر نیرسد آنوقت اطراف طهران را مثل شهرهای دیگر که صد و صد هزار نفر یک وکیل داده اند

حاج شیخعلی - بنده خیلی متعجبم از این نقطه نظری که بعضی از آقایان دارند که خیلی ضدیت دارد با آن نقطه نظری اولیشان میفرمایند نباید عده زیاد شود و در جمع مرانها هم نوشته است متناسب آنوقت باز بجهت طهران پیشنهاد میکنند ۱۵ نفر طهران دیگر جائی نیست که مانند انبند دو سال است بنده در طهران هستم شاید بیک اندازه اطلاع حاصل کرده باشم اگر بخواهم از روی جمیعت بطهران حق وکیل بدیم بعقیده بنده بیشتر از ۲۷ نفر حق نماینده ندارد و اگر مطابق احصائیه و عده جمعیت ملاحظه شود چهار صد هزار نفر نیرسد آنوقت اطراف طهران را مثل شهرهای دیگر که صد و صد هزار نفر یک وکیل داده اند

حاج شیخعلی - بنده خیلی متعجبم از این نقطه نظری که بعضی از آقایان دارند که خیلی ضدیت دارد با آن نقطه نظری اولیشان میفرمایند نباید عده زیاد شود و در جمع مرانها هم نوشته است متناسب آنوقت باز بجهت طهران پیشنهاد میکنند ۱۵ نفر طهران دیگر جائی نیست که مانند انبند دو سال است بنده در طهران هستم شاید بیک اندازه اطلاع حاصل کرده باشم اگر بخواهم از روی جمیعت بطهران حق وکیل بدیم بعقیده بنده بیشتر از ۲۷ نفر حق نماینده ندارد و اگر مطابق احصائیه و عده جمعیت ملاحظه شود چهار صد هزار نفر نیرسد آنوقت اطراف طهران را مثل شهرهای دیگر که صد و صد هزار نفر یک وکیل داده اند

حاج شیخعلی - بنده خیلی متعجبم از این نقطه نظری که بعضی از آقایان دارند که خیلی ضدیت دارد با آن نقطه نظری اولیشان میفرمایند نباید عده زیاد شود و در جمع مرانها هم نوشته است متناسب آنوقت باز بجهت طهران پیشنهاد میکنند ۱۵ نفر طهران دیگر جائی نیست که مانند انبند دو سال است بنده در طهران هستم شاید بیک اندازه اطلاع حاصل کرده باشم اگر بخواهم از روی جمیعت بطهران حق وکیل بدیم بعقیده بنده بیشتر از ۲۷ نفر حق نماینده ندارد و اگر مطابق احصائیه و عده جمعیت ملاحظه شود چهار صد هزار نفر نیرسد آنوقت اطراف طهران را مثل شهرهای دیگر که صد و صد هزار نفر یک وکیل داده اند

حاج شیخعلی - بنده خیلی متعجبم از این نقطه نظری که بعضی از آقایان دارند که خیلی ضدیت دارد با آن نقطه نظری اولیشان میفرمایند نباید عده زیاد شود و در جمع مرانها هم نوشته است متناسب آنوقت باز بجهت طهران پیشنهاد میکنند ۱۵ نفر طهران دیگر جائی نیست که مانند انبند دو سال است بنده در طهران هستم شاید بیک اندازه اطلاع حاصل کرده باشم اگر بخواهم از روی جمیعت بطهران حق وکیل بدیم بعقیده بنده بیشتر از ۲۷ نفر حق نماینده ندارد و اگر مطابق احصائیه و عده جمعیت ملاحظه شود چهار صد هزار نفر نیرسد آنوقت اطراف طهران را مثل شهرهای دیگر که صد و صد هزار نفر یک وکیل داده اند

حاج شیخعلی - بنده خیلی متعجبم از این نقطه نظری که بعضی از آقایان دارند که خیلی ضدیت دارد با آن نقطه نظری اولیشان میفرمایند نباید عده زیاد شود و در جمع مرانها هم نوشته است متناسب آنوقت باز بجهت طهران پیشنهاد میکنند ۱۵ نفر طهران دیگر جائی نیست که مانند انبند دو سال است بنده در طهران هستم شاید بیک اندازه اطلاع حاصل کرده باشم اگر بخواهم از روی جمیعت بطهران حق وکیل بدیم بعقیده بنده بیشتر از ۲۷ نفر حق نماینده ندارد و اگر مطابق احصائیه و عده جمعیت ملاحظه شود چهار صد هزار نفر نیرسد آنوقت اطراف طهران را مثل شهرهای دیگر که صد و صد هزار نفر یک وکیل داده اند

حاج شیخعلی - بنده خیلی متعجبم از این نقطه نظری که بعضی از آقایان دارند که خیلی ضدیت دارد با آن نقطه نظری اولیشان میفرمایند نباید عده زیاد شود و در جمع مرانها هم نوشته است متناسب آنوقت باز بجهت طهران پیشنهاد میکنند ۱۵ نفر طهران دیگر جائی نیست که مانند انبند دو سال است بنده در طهران هستم شاید بیک اندازه اطلاع حاصل کرده باشم اگر بخواهم از روی جمیعت بطهران حق وکیل بدیم بعقیده بنده بیشتر از ۲۷ نفر حق نماینده ندارد و اگر مطابق احصائیه و عده جمعیت ملاحظه شود چهار صد هزار نفر نیرسد آنوقت اطراف طهران را مثل شهرهای دیگر که صد و صد هزار نفر یک وکیل داده اند

حاج شیخعلی - بنده خیلی متعجبم از این نقطه نظری که بعضی از آقایان دارند که خیلی ضدیت دارد با آن نقطه نظری اولیشان میفرمایند نباید عده زیاد شود و در جمع مرانها هم نوشته است متناسب آنوقت باز بجهت طهران پیشنهاد میکنند ۱۵ نفر طهران دیگر جائی نیست که مانند انبند دو سال است بنده در طهران هستم شاید بیک اندازه اطلاع حاصل کرده باشم اگر بخواهم از روی جمیعت بطهران حق وکیل بدیم بعقیده بنده بیشتر از ۲۷ نفر حق نماینده ندارد و اگر مطابق احصائیه و عده جمعیت ملاحظه شود چهار صد هزار نفر نیرسد آنوقت اطراف طهران را مثل شهرهای دیگر که صد و صد هزار نفر یک وکیل داده اند

حاج شیخعلی - بنده خیلی متعجبم از این نقطه نظری که بعضی از آقایان دارند که خیلی ضدیت دارد با آن نقطه نظری اولیشان میفرمایند نباید عده زیاد شود و در جمع مرانها هم نوشته است متناسب آنوقت باز بجهت طهران پیشنهاد میکنند ۱۵ نفر طهران دیگر جائی نیست که مانند انبند دو سال است بنده در طهران هستم شاید بیک اندازه اطلاع حاصل کرده باشم اگر بخواهم از روی جمیعت بطهران حق وکیل بدیم بعقیده بنده بیشتر از ۲۷ نفر حق نماینده ندارد و اگر مطابق احصائیه و عده جمعیت ملاحظه شود چهار صد هزار نفر نیرسد آنوقت اطراف طهران را مثل شهرهای دیگر که صد و صد هزار نفر یک وکیل داده اند

حاج شیخعلی - بنده خیلی متعجبم از این نقطه نظری که بعضی از آقایان دارند که خیلی ضدیت دارد با آن نقطه نظری اولیشان میفرمایند نباید عده زیاد شود و در جمع مرانها هم نوشته است متناسب آنوقت باز بجهت طهران پیشنهاد میکنند ۱۵ نفر طهران دیگر جائی نیست که مانند انبند دو سال است بنده در طهران هستم شاید بیک اندازه اطلاع حاصل کرده باشم اگر بخواهم از روی جمیعت بطهران حق وکیل بدیم بعقیده بنده بیشتر از ۲۷ نفر حق نماینده ندارد و اگر مطابق احصائیه و عده جمعیت ملاحظه شود چهار صد هزار نفر نیرسد آنوقت اطراف طهران را مثل شهرهای دیگر که صد و صد هزار نفر یک وکیل داده اند

حاج شیخعلی - بنده خیلی متعجبم از این نقطه نظری که بعضی از آقایان دارند که خیلی ضدیت دارد با آن نقطه نظری اولیشان میفرمایند نباید عده زیاد شود و در جمع مرانها هم نوشته است متناسب آنوقت باز بجهت طهران پیشنهاد میکنند ۱۵ نفر طهران دیگر جائی نیست که مانند انبند دو سال است بنده در طهران هستم شاید بیک اندازه اطلاع حاصل کرده باشم اگر بخواهم از روی جمیعت بطهران حق وکیل بدیم بعقیده بنده بیشتر از ۲۷ نفر حق نماینده ندارد و اگر مطابق احصائیه و عده جمعیت ملاحظه شود چهار صد هزار نفر نیرسد آنوقت اطراف طهران را مثل شهرهای دیگر که صد و صد هزار نفر یک وکیل داده اند

حاج شیخعلی - بنده خیلی متعجبم از این نقطه نظری که بعضی از آقایان دارند که خیلی ضدیت دارد با آن نقطه نظری اولیشان میفرمایند نباید عده زیاد شود و در جمع مرانها هم نوشته است متناسب آنوقت باز بجهت طهران پیشنهاد میکنند ۱۵ نفر طهران دیگر جائی نیست که مانند انبند دو سال است بنده در طهران هستم شاید بیک اندازه اطلاع حاصل کرده باشم اگر بخواهم از روی جمیعت بطهران حق وکیل بدیم بعقیده بنده بیشتر از ۲۷ نفر حق نماینده ندارد و اگر مطابق احصائیه و عده جمعیت ملاحظه شود چهار صد هزار نفر نیرسد آنوقت اطراف طهران را مثل شهرهای دیگر که صد و صد هزار نفر یک وکیل داده اند

حاج شیخعلی - بنده خیلی متعجبم از این نقطه نظری که بعضی از آقایان دارند که خیلی ضدیت دارد با آن نقطه نظری اولیشان میفرمایند نباید عده زیاد شود و در جمع مرانها هم نوشته است متناسب آنوقت باز بجهت طهران پیشنهاد میکنند ۱۵ نفر طهران دیگر جائی نیست که مانند انبند دو سال است بنده در طهران هستم شاید بیک اندازه اطلاع حاصل کرده باشم اگر بخواهم از روی جمیعت بطهران حق وکیل بدیم بعقیده بنده بیشتر از ۲۷ نفر حق نماینده ندارد و اگر مطابق احصائیه و عده جمعیت ملاحظه شود چهار صد هزار نفر نیرسد آنوقت اطراف طهران را مثل شهرهای دیگر که صد و صد هزار نفر یک وکیل داده اند

حاج شیخعلی - بنده خیلی متعجبم از این نقطه نظری که بعضی از آقایان دارند که خیلی ضدیت دارد با آن نقطه نظری اولیشان میفرمایند نباید عده زیاد شود و در جمع مرانها هم نوشته است متناسب آنوقت باز بجهت طهران پیشنهاد میکنند ۱۵ نفر طهران دیگر جائی نیست که مانند انبند دو سال است بنده در طهران هستم شاید بیک اندازه اطلاع حاصل کرده باشم اگر بخواهم از روی جمیعت بطهران حق وکیل بدیم بعقیده بنده بیشتر از ۲۷ نفر حق نماینده ندارد و اگر مطابق احصائیه و عده جمعیت ملاحظه شود چهار صد هزار نفر نیرسد آنوقت اطراف طهران را مثل شهرهای دیگر که صد و صد هزار نفر یک وکیل داده اند

بوسیله آن نظریه خواستند از ۱۲۰ نفر متجاوز نشده بهین نظر هم بود که خراسان ۱۷ نفر و کبک حق داشت ۱ نفر در این گریابین تناسب حق و کیل بهید بههران و اطراف که یک میلیون جمعیت باشد آنوقت ۹ نفر خواهد رسید و حال آنکه هفتصد هزار جمعیت بیشتر نیست در اینجا باز کمیسیون یکنفر اضافه کرده است زیرا دولت هم نفر پیشنهاد کرده بود و در تمام مرانها متناسب نوشته میفرمایند که باید عده زیاد نباشد راپورت کمیسیون هیئت دولت هم نوشته اند که در باز آقایان میفرمایند ۱۰ نفر این خیلی اسباب تعجب است آقایان خوب بود ملاحظه فرمایند که ۱۰ نفر بجهت صد فرسنگ دوسه فرسنگ نفوس است عده اینجا نفوس هفتصد هزار بیشتر نیست چطور باید تصویب کرد بنده برای طهران ۸۰۷ نفر وکیل را کافی میدانم بهمان نسبتی بجای دیگر دادند حالا به ملاحظه مرکز دوفتر زیادتر داده اند بنده بیشتر از دوفتر عقیده ندارم

**و حیدر الملک** - به تناسب یکی از مریات بلکه مهم ترین شرط انتخابات است و این هیچ جای حرف و تردید نیست ولی همین طور که در روز در جلسه گذشته آقای مخبر فرمودند تعدادی که در اینجا معین شده است از برای حوزهها از روی یک احصائیه صحیحی نیست و اگر هم بعضی از آقایان غلو میکنند درصحت این احصائیه بنده یکی از آن اشخاص هستم که بنا مخبر محترم هم عقیده هستم و عرض میکنم رعایت احصائیه و تناسب در این حوزه بندیها نشده است اگر هم چنین ادعائی بشود بنده عرض میکنم که از روی هیچ مأخذ علمی نیست باکمال تأسف عرض میکنم که باین شرط انتخابات یعنی متناسب بودن آن در این دوره ما باید محروم باشیم زیرا مأخذ علمی برای احصائیه مملکت نداریم بعد از اینکه این نقطه نظر را معلوم کردیم آن وقت مابقی سر مطلب بنده شخصاً نیدانم که نقطه نظر کمیسیون چه بوده است که از کلای طهران پنج نفر کاسته است در دوره اول طهران را تقریباً یک نلک تمام ایران معین کرده بودند بلکه از یک نلک مملکت مهم تر فرض کرده بودند زیرا ۶۳ نفر وکیل بیاینتخا داده بودند بنده عرض میکنم در مجلس اول همیشه طهران بیش از نصف نمایندگان را دارا بوده بعد آمدند گفتند یک فدری رو به تناسب رفته اند و عده شصت نفر را آمدند کم کردند عده آنرا بیازده نفر قرار دادند و بنده این عده را خوب میدانم استم از برای طهران برای اینکه هم اهمیت باینتخا منظور شده بود هم زیاد از جاده صحت و تناسب خارج نشده بود دیگر اینکه حقیرا هم از سایر مملکت سلب نکرده بودند حالا مبینم یکدفعه عده نلک شد آن دولت را اتخاذ کردند و یک نلک را رد کردند نمایندگان شده ده نفر بنده بر ضد این هستیم دلایل زیاد هم دارم برای این و دوسه تا از آنها را زیادتر عرض نمی کنم چنانچه آقای افتخار الواعظین هم فرمودند تا امروز در مدالکی که چندین سال بلکه چندین صدسال مشروطیت داشته اند یک اهمیت فوق العاده بر مرکز تمدن و باینتخا میدهند همین در شب مخصوصاً کتب انتخابات خارج را مطالعه میکردیم دیدم در یکی از

باینتخا های دول خیلی معتبر فرنگستان که دارای دوازده یک صد کیلومتر مملکت از اهالی است بیش از هفت و سه ربع عده نمایندگان کل مملکت را داراست که اگر تناسب عده کلیه مملکت نگاه کنیم شهری باینتخا دارای دوازده یک از اهالی است ولی هفت و سه ربع از تمام نمایندگان رای باینتخا داراست بعد از این چندین صد سال مشروطیت هنوز این مسئله را معمول میدانند حالا طهران مرکز تمدن و مرکز سیاست و مرکز صنایع و علم مملکت خودمان است و ما بعد از آنکه نتوانستیم یک احصائیه صحیحی در دست داشته باشیم بهتر این است که تا یک حدی رعایت اهمیت مرکز را بکنیم این یکی و دیگر اینکه ما مخصوصاً در این موقع یک اهمیت فوق العاده برای سهولت امر انتخابات و اشخاصی که مبدع و در طهران و مسائل انتخابات و اشخاص از برای انتخاب شدن خیلی در دست هست و حاضر است و اگر بنا شود مادست برانیم با انتخابات اول جائیکه انتخاب بشود و سهولت هم انتخاب شود طهران است و اشخاصی است که در مرکز هستند اینهم یکی و دیگر آنکه اهالی طهران اشخاصی هستند مخلوط کسانی نیستند که بتوانند بگویند ما طهرانی هستیم یعنی غالب اهالی این شهر نمیتوانند بگویند ما طهرانی هستیم از نقاط مختلفه برای حوائج مختلف آمده اند و ساکن شده اند و همچنین اشخاصی که سابق نمایندگی طهران را داشتند و حالا هم دارند اینها هم مخصوص طهران نیستند و از جاهای دیگر مملکت آمدند اینجا و ساکن شده اند پس بنابراین اگر ما فرض کنیم که یک عده زیادی بطهران بدهیم که سه چهار نفر هم از عده واقعی زیاد باشد نظر بطهران شما نداشته باشیم بلکه با اشخاص مختلفه که در مملکت هستند داده ایم چه منتخوب وجه منتخوب بنده عرض می کنم همان عده ۱۰ نفر خیلی خوب است از برای طهران و هیچ صحیح نیست که ما از عده آنها بکاهیم لهذا یک پیشنهادی هم کرده ام بطوریکه آقای بهجت فرموده اند و عده را ۱۰ نفر عقیده دارم (گفتند صحیح است)

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد چون اغلب موافق هستند پیشنهادها قرائت میشود پیشنهادی از طرف حاج عزالمالک به عبارت ذیل قرائت شد

بنده پیشنهاد میکنم عده نمایندگان فارس فشافویه پنج نفر علاوه داده شود که مجموع ۱۰ نفر شود

**پیشنهاد وحید الملک** - این بنده پیشنهاد میکنم که ۱۰ نفر نماینده از برای طهران معین شود

**پیشنهاد آقای دکتر سعیدالطباع** به عبارت ذیل قرائت شد

این بنده پیشنهاد میکنم که بمناسبت اهمیت بطهران - فارس فشافویه خوار ورامین شهریار ساوجبلاغ اشتهارد برقان الی

ساجبلاغ اشتهارد برقان و قیریه ۱۰ نفر نماینده داده شود

**پیشنهاد عزالمالک** به عبارت ذیل قرائت شد

بنده پیشنهاد میکنم بطهران و اطراف ۱۰ نفر نماینده داده شود

**پیشنهاد آقامیرزا مرتضی قلیخان** هم به عبارت ذیل قرائت شد

بنده پیشنهاد میکنم که نمایندگان طهران و توابع ۱۴ نفر بوده و مراکز آنها از این قرار باشد طهران ده نفر مرکز انتخاب طهران - فارس فشافویه شهریار یکنفر مرکز حضرت عبدالعظیم

خوار ورامین یکنفر مرکز شهر ورامین - ساوجبلاغ اشتهارد - برقان - فشد - کن - سولقان ۱ نفر مرکز انتخاب کردان - شیرانات - لوسانات - قصران - لورا شهرستانک ۱ نفر مرکز تعریف از طرف حاج میرزا رضا خان پیشنهاد ذیل قرائت شد

بنده پیشنهاد میکنم که طهران اینطور نوشته شود - طهران و حومه شهر و حضرت عبدالعظیم و شیرانات و لوسانات الی آخر ۱۰ نفر

**رئیس** - این دوقره است که پیشنهاد شده است یکی ۱۴ نفر و یکی ۱۰ نفر اول درهده ۱۴ نفر رأی میگیریم بعد درهده ۱۰ نفر همینکه مشخص شد آنوقت بجهت های مختلف رأی میگیریم - آقا میرزا مرتضی قلیخان توضیحی در باب پیشنهاد خودتان دارید ؟

**آقا میرزا مرتضی قلیخان** - به بنده مختصر توضیح میدهم بجهت اینکه تمام مذاکرات فقط دو مطلب است که عرض میکنم یکی اینکه حتماً باینتخا باید تفاوت داشته باشد با سایر نقاط و یکی هم تناسب بهم نیخورد زیرا تناسب بجهت اینست که هر چیزی نسبت به خودش ملاحظه شود و ما هم مقلد هستیم نه مجتهد و قیبه باید تقلید کنیم باید هر طور که مالک مدینه کرده اند ما هم آنطور بکنیم همینطور که آقای وحید الملک فرمودند باینتخا را امتیاز داده اند باینجهت بنده هم عده طهران را پنج صد هزار نفر تصور میکنم باشند بدو دلیل یکی بجهت تعریفی که شده است و اشخاصیکه تخمین زده اند یک کرور جمعیت طهران را تعیین کرده اند و سیاح هائی که آمده اند اینجا و خوب جمعیت را تخمین نموده اند ۳۶۰ هزار تعیین کرده اند و خیلی کم تخمین کرده اند همان جاهائی را که ما دویست هزار نفر تخمین میکنم آنجا را ۴۰ هزار معین کرده اند و طهران را ۳۶۰ هزار تخمین زده اند و همانطور که دویست هزار را چهار هزار نوشته اند بهین تناسب معلوم میشود که عده طهران خیلی زیادتر خواهد بود در هر صورت بنده ۲۰ سال قبل از این را مطلع هستم که تعداد نفوس شد و معین شد که در زمان یک سکرور و در تابستان ۳۶۰ هزار نفر جمعیت دارد طهران و همه اینها را نباید اهل طهران حساب کرد چون از همه جا میآیند و ۵ و ۶ ماه توقف میکنند و مطابق همین قانونیکه گفتیم بعد از شش ماه توقف حق رای دارند و امتیاز طهران هم بسیار جاها باید نصف باشد این است که خود شهر طهران باین نسبت ده نفر باید باشد و آن چهار نفری را که اضافه پیشنهاد نموده ام برای آن چهار مرکزی است

که تعیین شده برای بلوکات و قیبه هر کدام از آنها صد هزار نفر جمعیت دارد بلکه زیادتر باینجهت بود که بنده ۱۴ نفر پیشنهاد کردم که در واقع دماوند و قیریز کوه هم که جزء بلوک طهران است حق یک وکیل باو داده شده است باز همان ۱۰ نفر سابق معین میشود اگرچه سابق دماوند یک نفر وکیل داشت ولی بالاخره با اینحال ۱۰ نفر منظور شده است نسبت بطهران و اطراف آن

**ذکاء الملک** - بنده مبینم اکثر پیشنهادها ۱۰ نفر است و اکثر اعضاء کمیسیون هم موافقت با ۱۰ نفر باینجهت اگر آقای میرزا مرتضی قلیخان هم پیشنهاد خودشان را ۱۰ نفر بکنند کمیسیون قبول میکند و رفع اشکال میشود

**آقا میرزا مرتضی قلیخان** - بنده هم ۱۰ نفر را قبول کردم

**رئیس** - چه میفرماید حالا قبول میکنید

**ذکاء الملک** - به آقای میرزا مرتضی قلی خان هم قبول کردند

**رئیس** - حالا برای تقسیم بجهت های مختلف دوقره پیشنهاد هم رسیده است یکی از آقای لواء الدوله و یکی هم از حاج میرزا رضا خان

(پیشنهاد لواء الدوله به عبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که برای طهران و غیره به طریق ذیل نماینده انتخاب شود:

طهران و توابع ۹ نفر شیرانات یکنفر مرکز تعریف - حضرت عبدالعظیم - فارس فشافویه یکنفر مرکز حضرت عبدالعظیم خوار ورامین یکنفر مرکز شهریار و ساوجبلاغ یکنفر مرکز کردان - لوسانات - لورا - شهرستانک - اشتهارد و برقان - کن - سولقان - فشد یکنفر مرکز کن

**رئیس** - آقای لواء الدوله توضیحی دارید در پیشنهاد خودتان بفرمایند

**لواء الدوله** عرض کنم بنده لچ بازی ندارم با وکلای محترم ولی این اشخاصیکه در اطراف هستند ذیحق هستند نباید ما که در طهران هستیم حق آنها را از میان ببریم تمام این محل هائی که عرض کردم حق دارند که وکیل خودشان را انتخاب کنند حضرت عبدالعظیم نزاع داشتند که چرا ما حوزه انتخابیه نداشته باشیم یکنفر حق داریم تا حالا هم نزاع داشتند چرا بآنها نباید داده بشود خوار ورامین چرا حق نداشته باشند حق دارند بنده عقیده ام بر اینست که دولاب و شهرنو با اینکه جزء طهران است یکنفر علیحده حق داشته باشند که ۸ نفر برای طهران و ما بقی برای این بلوکات و اطراف

**رئیس** - کمیسیون چه میگوید در این پیشنهاد

**ذکاء الملک** - کمیسیون اینطور رأی داده است که حوزه بندهی شده است

**رئیس** - رأی میگیریم آقایانیکه پیشنهاد لواء الدوله را قابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

**رئیس** - (قابل توجه نشد) مجدداً پیشنهاد آقا مرتضی قلیخان قرائت میشود

(پیشنهاد میرزا مرتضی قلیخان قرائت شد)

**رئیس** - یکنفر را بکنجا ملحق میکنید

**میرزا مرتضی قلیخان** - یکنفر را بکنجا ملحق میکنم

**رئیس** - اصلاح آقای حاج میرزا رضا خان قرائت میشود

(پیشنهاد مزبور به عبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که طهران این طور طهران و حومه شهر و حضرت عبدالعظیم و شیرانات و لوسانات الی آخر ۲۰ نفر

**رئیس** - آقای حاج میرزا رضا خان توضیحی در باب پیشنهاد خودتان دارید بفرمایند

**حاج میرزا رضا خان** - مفصود همان ۱۰ نفر است و هم اینکه از حضرت عبدالعظیم اسم برده نشده چون اهالی حضرت عبدالعظیم در انتخابات گذشته اظهار کردند که یکنفر هم باید با حق بدهند که یک حوزه انتخابیه هم آنجا باشد و باین ترتیب رفع اشکال آنها میشود

**رئیس** - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای حاج میرزا رضا خان آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قیام کردند)

**رئیس** - قابل توجه نشد - مجدداً اصلاح آقای میرزا مرتضی قلیخان در باب تقسیم نمایندگان طهران قرائت میشود (اصلاح مزبور به عبارت ذیل قرائت شد)

تقسیم نمایندگان طهران ۱۰ نفر مرکز طهران فارس فشافویه یکنفر مرکز انتخاب حضرت عبدالعظیم

خوار ورامین یکنفر مرکز انتخاب شهر ورامین شهریار و ساوجبلاغ یکنفر مرکز انتخاب کردان برقان و فشد و کن و سولقان یکنفر مرکز انتخاب کن

شیرانات و لوسانات و شهرستانک و قصران و لورا یکنفر مرکز تعریف

**رئیس** - آقای میرزا مرتضی قلیخان توضیحی دارید بفرمایند

**میرزا مرتضی قلیخان** توضیح همان بود که این پنج نفر که زیاد شده است باید بر بلوکات و اطراف طهران تقسیم بشود و بآنها مستقیماً حق داده شود

**رئیس** - آقای مخبر قبول دارید یا رأی میگیریم

**ذکاء الملک** (مخبر) عده را که قبول کردیم در تقسیمش رأی بگیریم

**رئیس** - رأی میگیریم با اصلاح آقای میرزا مرتضی قلی خان در تقسیم که سکرده اند آقایانیکه این تقسیم را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد - آقا آقا دکتر رضاخان خیلی صحبت میکنید مذاکره میکنیم طهران ۱۰ نفر

**رئیس** - این رأی که گرفته شد برای قابل توجه بودن بود لکن رأی قطعی گرفته نشده حالا رأی قطعی گرفته میشود

**ذکاء الملک** - رأی آخر را بگذارید بعد از تنفس که در کمیسیون هم مذاکره در این خصوص بشود

**رئیس** - بسیار خوب تقاضا میکنید بماند

حوزه دماوند و قیریز کوه یکنفر

**لواء الدوله** - میخواستیم ببینم اینجا انجمن جزه دارد یا خیر

**ذکاء الملک** - در امثال این موارد خوب است رجوع کنند بقانون انتخابات در قانون انتخابات نوشتم جاهائیکه دور دست از مرکز حوزه انتخاب است و تمام اهالی نمیتوانند دورک نقطه جمع شوند بتصویب حکومت و انجمن نظارت یک انجمن نظارت جزه از برای آنها معین خواهد شد

**رئیس** - مرکز انتخابیه دماوند مغالطی نیست (اظهاری نشد)

**رئیس** - رأی میگیریم به حوزه انتخابیه دماوند و قیریز کوه آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد عراق دو نفر سلطان آباد کراز فراهان خلیجستان تفرش آشتیان کرکان

**حاج شیخ اسدالله** - خواستم عرض بکنم بعضی نقاط است که از قلم افتاده است یکی سر بند است یکی شراه یکی و قس بزرگو است اینها چهار بلوک معظم است و اسامی اینها را باید اینجا نوشت که معین شود

**ذکاء الملک** - اسامی را زیاد بکنید ضرر ندارد

**حاج آقا** - اینجا در عراق نوشته شده است خلیجستان و بیشتر یک پیشنهادی کردند

آقای حاج عز الملک و قبول هم شد بالا عرض میکنم که دو خلیجستان است یا یکی است اگر همان است که باید القاء بشود خوب است ایرانیان بفرمایند که رفع اشکال بشود

**ذکاء الملک** - این غیر از آن خلیجستان است

**لواء الدوله** - بنده بادو نفر به ای عراق مضانم برای اینکه شهر عراق خودش پنج شش هزار جمعیت دارد علاوه بر این پنج شش عمال بزرگ دارد و کراز - کمره سیر بند و آنتها بیک اسم برده شد اینها را بخود شهر عراق مسلم میدانم سیمه هزار جمعیت داشته باشد چون بهمه جاهای کردیم مگر عراق از اینجهت بنده پیشنهاد میکنم که عراق ۳ نفر باشد

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد چند قره پیشنهاد شده است قرائت میشود (پیشنهادهای مزبور به عبارت ذیل قرائت شد)

۱- از طرف آقای معین الرعایا بنده پیشنهاد میکنم سلطان آباد - عراق و توابع را که تسمای عراق باشد سه نفر وکیل داده شود

۲- از طرف آقای آقا میرزا رضای مستوفی بنده پیشنهاد میکنم عراق اینطور نوشته شود سلطان آباد - کراز - شراه - سر بند - و قس بزرگو ۱ نفر مرکز حوزه سلطان آباد - فراهان خلیجستان - تفرش - آشتیان - کرکان - رودبار یک نفر - دستجرد و خلیجستان

۳- از طرف آقای حاج عزالمالک بنده پیشنهاد میکنم حوزه انتخابیه عراق اینطور نوشته شود عراق دو نفر نقاط جزه - حوزه انتخابیه سلطان آباد - کراز - فراهان - خلیجستان - تفرش - آشتیان

کرکان - سرپند - شراه و قس بزجلو مرکو حوزو سلطان آباد .

**معین الرعايا** - تقریباً اینستله مسلم شد که مبنی و اساس انتخابات و حق نماینده داشتن تمام اهالی این مملکت برتعمین بوده است سلطان آباد عراق خودش باتوايش تقريباً ۷۰ و ۸۰ هزار نفر جمعیت دارد و این معالات هم که گفته شد هریک دارای دویت و دویت و پنجاه آبادی است که واقفاً آبادیهای بسیار معبری است و تقریباً میتوان گفت تمام عراق ۲ هزار آبادی دارد و هر کدام را که دویت نفر جمعیت فرض بگیریم چهارصد هزار نفر جمعیت خواهد بود و عراق هم از هر حیث دارای اهمیت است چه از حیث آبادی چه از حیث جمعیت بنده تصور میکنم تمام عراق از هر حیث دارای ۵ صد هزار جمعیت باشد و باین ترتیب می بینم یک حوزو گلیایگان خوانسار معلات را دوتفر معین کرده اند و حال آنکه آن چهارمعال یقیناً نصف جمعیت عراق را ندارد و حالانکه آنجا را عرض نمیکند که دوتفر زیاد است مسلماً دو نفر را آنجا لازم دارد ولی برای عراق مسلماً دوتفر خیلی کم است برای اینکه بطوریکه عرض کردم تمام عراق محققاً دارای پانصد هزار جمعیت است و این تقسیمانی را که ما در اینجا ذکر کرده ایم در نظر نمایندگان آتیه گمان میکنم که بی اطلاعی ما را ثابت میکنند از اینجهت بنده پیشنهاد کرده ام سه نفر تمام عراق و کبل داده شود و حقاً هم لازم است .

**ذکاء الملک** - بنده نمی توانم این اصلاح را قبول کنم .

**رئیس** - رأی می گیریم باصلاح آقای معین - الرعايا آقایانی که این اصلاح را قبول می کنند قیام نمایند (عده قیام نمودند) .

**رئیس** - قابل توجه شد عده حضار ۶۵ رأی دهندگان ۳۲ .

**آقا میرزا رضای مستوفی** - چند نقطه بود که جزء عراق بود در اینجا نوشته نشده بود و چون بنده يك اندازه از آنجا اطلاع دارم آن پیشنهاد را تقدیم کردم که از روی آن نوشته شود یعنی نقاط راضف کردم يك قسمت با نطرف عراق و يك قسمت با نطرف عراق حق داده شود .

**ذکاء الملک** - یکمرتبه دیگر فرائث شود (مجدداً پیشنهاد آقا میرزا رضای مستوفی قرائت شد) .

**ذکاء الملک** - مرکز معین نکرده اند .

**میرزا رضای مستوفی** - مرکز حوزو انتخابی یکی سلطان آباد باشد و یکی هم دستجرد و خلجستان .

**رئیس** - آقایانی که این اصلاح آقای میرزا رضای مستوفی را تصویب می کنند قیام نمایند (عده قیام نمودند) .

**رئیس** - قابل توجه نشد - آقای حاج عز - الممالک توضیح دارید .

**حاج عز الممالک** - توضیح باین پیشنهاد چیزی نیست که مخبر قبول بکنند این اسامی بلوکات جزء است که باید اسم برده شود چون باقی راییشان قبول دارند ولی نسبت به عراق نمایندگان محترم بی تناسب تقسیم کرده اند .

**ذکاء الملک** - بنده عرض کردم آن اسامی که اضافه شده قبول کردم باید اضافه شده

**رئیس** - پس حوزو انتخابیه عراق باین ترتیب آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - حوزو انتخابیه عراق تصویب شد هرستان هرستان چهارنفر - دزفول و توابع یکنفر مخالفی هست .

**حاج عز الممالک** - بنده در کلبه این مخالف هستم و پیشنهادی هم سکرده ام يك حوزو انتخابیه هرستان که شامل صد هزار نفرند اسم برده نشده است از آقای رئیس سوال میکنم که در کدام از این حوزو بنده می شود راجع بان اظهار کرد تا بتوانیم در این خصوص مذاکره کنیم

**بهجت** - بنده اینجا يك اصلاحاتی بنظر آمده است و عرض میکنم اصلاح بنده راجع میشود بچند جایکه اسم برده نشده است دزفول بلوک شرقی و غربی آل کثیر و سایر دهات و اگر اجازه میفرمائید سایر اصلاحات را عرض کنم که نوشته شود

**حاج آقا** - بنده میبینم در تقسیم هرستان برای هر کدام از شهرها و قصبات مخصوصاً يك مرکز قرار داده شده است و در بعضی جاها کرسی ایالات و ولایات را مرکز قرار داده اند و سایر جاهای جزء چه در موارد انتخاب جمعی و چه در موارد انتخاب فردی و در هرستان هم که انتخاب آن فردی است و چون شوشتر نسبت بناصری مرکزیت دارد از اینجهت بنده پیشنهاد میکنم ناصری را جزء شوشتر قرار بدهند که ناصری باشوشتری و توابع انتخاب آنها جمعی باشد والا وقتیکه شوشتر باتوابع یکنفر حق داشت ناصری باتوابعش را نمیتوان تنها یکنفر و کبل باو داد پس بنده پیشنهاد میکنم که ناصری را جزء شوشتر قرار بدهند و دو نفر حق بآنها بدهیم

**رئیس** - حاله دقیقه تنفس است . (بعد از تنفس مجدداً مجلس دو نعت ریاست آقای آقامیرزا مرتضی قلیخان نایب رئیس تشکیل گردید)

**نایب رئیس** - مذاکرات در حوزو انتخابیه هرستان است آقایان مذاکرات را کالی میدانند ( بعضی گفتند کافی است بعضی گفتند کافی نیست )

**نایب رئیس** - رأی میگیریم در باب مذاکرات هرستان که آیا کافی هست یا صافا نیست هر يك از آقایان مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند ( قیام نمودند ) .

**نایب رئیس** - معلوم میشود مذاکرات کافی نیست .

**حاج آقا** - بنده قبلاً باز عرض کردم اینجا که نوشته شده است ناصری و توابع یکنفر بنده امین را خلاف ترتیب و بدون مناسبت میدانم زیرا ناصری را که میدانند دارای چندان جمعیتی نیست که ما او را يك نفر و کبل بدهیم منتهی چهار هزار جمعیت داشته باشد توابع هم که ندارد نوشته است ناصری و توابع از آنطرف در هرستان طوایفی هست که خیلی جمعیت دارد و يك نفر و کبل اگر بآنها بدهیم خیلی بهتر است و اهمیت وجود نماینده آنها در مجلس برای ما خیلی فواید دارد از آنجهت یکی بنی طرف است که از آنها اگر یکنفر در مجلس شورای ملی باشد

خیلی منافع دارد و هم از حیث نظراتیکه ما داریم یکنفر از ایلات نماینده در اینجا باشد فوایدش خیلی است از اینجهت بنده پیشنهاد میکنم که ناصری را با محرمه یکی قرار بدهند و محرمه را حوزو انتخابیه قرار بدهند و بنی طرف را هم يك نفر و کبل بدهند و مخصوصاً همینطور پیشنهاد میکنم .

**نایب رئیس** - آقای بهجت دو پیشنهاد کرده اند یکی عده را چهار و یکی پنج پیشنهاد کرده اند هر دو خوانده میشود (دو طعنا پیشنهاد آقای بهجت بعبارت ذیل قرائت شد ) پیشنهاد اول بنده پیشنهاد میکنم که در جزو حوزو بندهها هرستان برای نقاط بترتیب آتی یکنفر علاوه شود حوزو بساطین خفاجیه بنی طرف جمماً یکنفر مرکز انتخاب حوزو (پیشنهاد دوم بعبارت ذیل قرائت شد) .

بنده پیشنهاد میکنم که بر حوزوهای جزء هرستان اصلاحات ذیل علاوه شود .

- ( ۱ ) دزفول بلوک غربی بلوک شرقی آل کثیر دزفول و سایر طوائف جزء یکنفر .
- ( ۲ ) شوشتر کاوند مناب هتافچه آل کثیر شوشتر و سایر طوائف جزو یکنفر .
- ( ۳ ) ناصری امینه مظفریه و سی و طوائف جزو یکنفر .
- ( ۴ ) محرمه فلاحه جراحی بنده مشهور بنهر بریه و سایر بنادر و طوائف جزو یکنفر .

**نایب رئیس** - آقای بهجت توضیحی دارید **بهجت** - بنده چندان اصراری ندارم بلکه پیشنهاد بنده تصدیق یا تکذیب شود لکن مجبورم توضیحاتی بدهم اگرچه بعضی از عرایش بنده را آقای حاج آقا فرمودند بنی طرف تقریباً ۲۰ هزار خانوار است حوزو هم خیلی جمعیت دارد و واقع شده است در مقابل هماوک که یکی از متصرفات همنانی است و تقریباً چهار فرسخ هم بیشتر دور نیست از سرحد عثمانی و سابقاً شهر معموره بوده و چندان دور نیست از کرخه فاصل است بین خاک ایران و عثمانی بارها هم تقاضا کرده ام که آنجا اداره گمرک و تلگرافخانه و پستخانه لازم دارد ولی حالا بواسطه ناصری آبادیش کم شده است بساطین که قصبانی است از ایران که تازه ساخته شده است و دارای ۲۰ هزار جمعیت است و آقایان اگر رجوع کنند مختصر خواهد شد برای آنها بنده یکنفر تقاضا کردم و آن پیشنهاد ثانی بنده راجع بود بحوزو بندیهایی جزو نه اینکه يك پیشنهادی چهار نفری باینکه پیشنهاد پنج نفر کرده باشم همان تقاضای بنده پنج نفر است چون نوشته بود دزفول محال جزء لازم بود آن محالها و شرح آن توضیح بشود و آیا آن یانانیکه آقای حاج آقا فرمودند که ناصری صد هزار نفر جمعیت ندارد بله درست است خود ناصری تقریباً هفت هشت هزار بیشتر نیست و لکن توابعی دارد در واقع کرسی نشین حوزو است در جزو انتخاب توابعش یکی امینه است یکی مظفریه است یکی ویس است که شش فرسخ بالای ناصری است و خودش يك بندرگاه شده است و جای معتبری و ویس هم خیلی بندر معتبری است یکی هم اهواز است و نیم فرسخ تفاوت تا اهواز ناصری است و آن دهاتی که قبلاً اینها است تقریباً يكصد و پنجاه هزار جمعیت دارد باهرايکه اطرافش هست و بندری است که مالاً چهاره

بهندوستان حمل میشود از آنجا میکند حالا اگر آقایان پیشنهاد بنده را قبول بفرمایند که يك نفر برده نمایندگان هرستان افزوده شود فقط برای حوزو خواهد بود و این بیانات برای تصریح معلمات جزو بود و اینکه آقای حاج آقا فرمودند که ناصری را جزء محرمه قرار بدهند نظر کمیسیون بر این نبود که هر جا ولایت یا ایالت است کرسی آژامر مرکز قرار بدهند و باقی راجزه بکنند بلکه نظر کمیسیون بر این بود که شهرها را مرکز حوزو انتخابیه قرار بدهند و این هم میدانند که برای زود گذشتن انتخابات اسهل است و اگر شهر نبود یکجائی را مرکز حوزو انتخاب قرار داده اند که نسبتاً بزرگتر باشد و در بعضی ولایات هم که یکی دو شهر داشته است و ازهم دور بوده اند هر دو را مرکز قرار داده اند باینجهت بوده است که ناصری و شوشتر را انتخابانستان را علیحده کرده اند و بهتر هم بوده است بجهت اینکه از ناصری تقریباً ۲۱ فرسخ ۲۲ فرسخ بلکه اگر خواسته باشیم خط مستقیم فرض بگیریم فرب ۳۰ فرسخ خواهد شد تا شوشتر و ضمیمه کردن آن را بنده عقیده ندارم ولی پیشنهاد بنده از برای حوزو و اطراف است اصلاحات بنده را هم گمان میکنم آقای مخبر قبول بفرمایند .

**نایب رئیس** - دو پیشنهاد کرده اید یکی چهار نفر یکی پنج نفر کدام را قبول دارید .

**بهجت** - پیشنهاد بنده پنج نفری است و آنهایی را که عرض کردم اصلاح نقاط جزء است .

**نایب رئیس** - اصلاح حاج عز الممالک هم مثل این است فرائث میشود و هر دو را رأی می میکیریم ( بعبارت ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم حوزو بندی هرستان اینطور نوشته شود : شوشتر و توابع ... یکنفر دزفول و توابع یکنفر ناصری و توابع ... یکنفر محرمه فلاحه جراحی و توابع ... یکنفر - حوزو بنی طرف و توابع ... یکنفر

**حاج عز الممالک** - بنده اول خاطر آقایان را مستحضر میکنم باینکه حوزو بندی که اول دو مجلس شورای ملی شد به همین ترتیب بود که بنده پیشنهاد کرده ام و اگر بصورت مجلس آنوقت نظر شود تصدیق خواهند فرمود و مخالفی هم نداشت و این بواسطه این بود که از روی يك انصافی پیشنهاد شده بود حالا اگر هرستان از نقطه نظر دور بوده است و چندان توجهی باو نمیشد است دلیل این نبود که ما حالا هم بگوئیم مثل سابق سه نفر حق دارند و پنج نفر نباید بآنها حق داد در صورتی که بقیه بنده حقاً باید بقیه بنده پنج نفر را احتما بآنها حق بدهیم برای آنکه اولاً دزفول یکی از شهرهای بزرگ و توابع آن بیشتر از صد هزار نفر است بجهت اینکه خود دزفول قریب شصت هزار جمعیت دارد که میتوان گفت بیش از شوشتر است و توابع هم همینطور مثل دزفول منتهی اطراف این بیشتر است ولی شهرش مثل دزفول زیاد نیست و به آبادی دزفول نیست ناصری هم که اطرافش هم آباد است که حالا نیخواهم زیاد حرف زده باشم و نمیشود گفت که حق یکنفر و کبل بآنها داده نشود همینطور راهمزم که در رابورت سابق هم بود حوزو هم سابقاً خودش يك والی نشینی بوده است حکومت که

میرفت حکومتها بیکه بدزفول و شوشتر میرفته است خودش حکومت مستقل داشته ولی حالا بواسطه بعضی نفوذها که از بنی طرف و اطراف پیدا شده است از آن اهمیتی که سابق داشته است افتاده است و در هر صورت بقیه بنده اگر انتخاب یکنفر به حوزو و بنی طرف بدهیم خیلی صلاح هست برای دولت ایران و فواید مستقیم مقتضی است که يك نماینده بآنها بدهیم از هر حیث این صلاح است و عده آنها هم از صد هزار کمتر نیست بلکه بیشتر است بجهت اینکه طوایف بنی طرف که خودش ۲۰ هزار خانوار است که هر خانواری از آنها اگر دوست ملاحظه شود از صد و بیست هزار جمعیت هم متجاوز خواهد شد تجارت خیلی خوب در آنجا هست و فلاحه خیلی خوب در آنجا میشود و خیلی خوب مناسب خواهد بود که آقایان نمایندگان همراهی بکنند که پیشنهاد پنج نفر بکنند و یکنفر بآنها حق داده شود تا اینکه منافع زیادی در آتیه برای دولت و ملت تهیه شده باشد .

**نایب رئیس** - آقای مخبر در باب این دو فقره پیشنهاد چه میگوید ؟

**ذکاء الملک** - رأی بگیریم .

**معزز الملک** - این اظهاری را که کردند برای اضافه نماینده هرستان و دادن آن یکنفر به بنی طرف و حوزو بنده هم تصدیق میکنم آن نظر را میگویم که لازم است و باید یکنفر نماینده به بنی طرف و حوزو داده شود ولی این دادن یکنفر به بنی طرف و حوزو هیچ دلیل برای اضافه کردن یکنفر بر نمایندگان هرستان نمیشود بجهت اینکه همینطوریکه گفتند ممکن است که نمایندگان چهار نفر باشند و بنی طرف و حوزو یکنفر و کبل داشته باشند باین طور که ناصری را بطوری که فرمودند جزء شوشتر یا محرمه بکنند یا هر جا را که صلاح بدانند که کلا هرستان چهار نفر داشته باشد و آن نظر هم که خیلی صحیح است بمل آمده باشد .

**نایب رئیس** - رأی میگیریم باین پیشنهاد های آقای بهجت و آقای حاج عز الممالک که پنج نفر برای هرستان نوشته اند هر يك از آقایان تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**نایب رئیس** - تصویب شد یعنی پنج نفر قبول شد دیگر آن پیشنهادها خوانده نمیشود حالا باید رأی قطعی در اینخصوص بگیریم .

**ذکاء الملک** - لابد این حوزو بندی امروز نام نخواهد شد پس بهتر است که بماند در کمیسیون يك تجدید نظری بشود .

**نایب رئیس** - بسیار خوب در باب طهران پیشنهادی از کمیسیون شده است خواننده میشود و رأی گرفته میشود طهران - ۱۵ نفر (پیشنهاد مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

طهران - کن . سولقان . لوسانات . شمیرانات قصران . لورا . شهرستانک . و سایر توابع ۰۰۰

۱۲ نفر مرکز حوزو تهران ( مرکز حوزو )

فار فشافویه یکنفر حضرت عبدالعظیم خوار ورامین یکنفر ایوانکی

شهریار . ساوجبلاغ . اشتراد . برقان فشد . یکنفر

**نایب رئیس** - مذاکره در این باب کافی شد و پیشنهادها هم خوانده شد مخبر تقاضا کردند و وقت بکمیسیون حالا دیگر مذاکره نمیکیم مگر اشغالی که اعضای کمیسیون هستند حق دارند مذاکرات بکنند .

**معزز الملک** - بنده عقیده ام اینست اگر در جایی انتخاب جمعی برای ما نفع داشته باشد فقط طهران است و بیس یعنی اگر در جاهای دیگر پنجاه منفعت داشته باشد در طهران صد و پنجاه فایده دارد و باین واسطه هم بود که بنده اساساً مخالف بودم با اینکه اطراف را از طهران تجزیه نمایند حالا برای این که عقیده آقایانی که طرفدار انتخاب فردی هستند تا اندازه منظور شده باشد و مقصودشان مقداری بعمل بیاید ممکن است همراهی بکنیم در اینکه بنار و فشافویه یکنفر حق داده شود ولی شهریار و ساوجبلاغ را بنده میدانم که چرا باید مجزا شود اگر باید جدا کرد سایر نقاط هم جدا شود ولی بقیه بنده بهتر این است که اول در انتخاب جمعی به همین طوری که بنده عرض کردم که فقطفار و فشافویه مجزا باشد رأی بگیریم اگر نشد آن وقت در این ترتیبیکه کمیسیون پیشنهاد کرده رأی بگیریم .

**بهجت** - واقفاً فلسفه اینکه این پنج نفر تصویب شد گویا مراعات تشکیلات نهانی اطراف شهر طهران بود که کردند مخصوصاً بعضی از آقایان می دانند که در ابتدا دوره چندر شکایت از طرف اهالی حضرت عبدالعظیم و سایر نقاط شد که میگفتند ما هم حق انتخاب یکنفر را داریم باین جهت این پنج نفر زیاد شد برای اطراف حالا هم مراعات انتخاب را کردیم و هم رعایت انتخاب فردی و فلسفه اینست که معزز الملک سوال فرمودند اینست که آن نقاط دور دست را يك نماینده بآنها داده اند اما حضرت عبدالعظیم اگر چه نزدیک است ولی چون يك قصبه است و اطراف هم دارد باین مناسبت گفتند که يك حوزو باشد مثل حوزوهای درجه سیم ولایات حکومت نشین و ایوانکی هم يك جایی است که البته آقایان میدانند يك قصبه است و تا اینجا شش فرسخ است ده فرسخ کمتر نباید باشد و اما اینکه ساوجبلاغ و شهریار یکنفر داده شد آنهم بواسطه دوری است ولی شمیران را بناسبت اینکه متصل است بطهران و در حقیقت میتوان گفت که يك محلی است از محلات طهران تجزیه نکرده اند و جزء شهر نموده اند پس باینجهت عقیده ام این است که همین طوری که از کمیسیون پیشنهاد شده که سه نفر باطراف ۱۲ نفر بطهران و آن ترتیبیکه سابق نوشته بود دوتفر هم اضافه بطهران داده شد . است خیلی خوب است و باین ترتیب دیگر هیچ مذاکره لازم نیست و بهتر این است که همینطور رأی گرفته شود .

**نایب رئیس** - پیشنهاد آقای معزز الملک خواننده میشود ( پیشنهاد مزبور بعبارت ذیل خوانده شد )

بنده پیشنهاد میکنم فار فشافویه ۰۰ یکنفر خوار ورامین ۰۰ ۱ نفر طهران و سایر نقاط ۱۳ نفر

**نایب رئیس** - کمیسیون این اصلاح را قبول میکند ؟ ( ذکاء الملک رأی بگیریم )

**نایب رئیس** - رای میگیریم به پیشنهاد آقای معزالملک هریش از آقایان این اصلاح را تصویب میکنند قیام نمایند (همه قیام نمودند)

**نایب رئیس** - تصویب شد حالا راپورت کمیسیون حوزه بندی طهران با اصلاح قرائت میشود (مجدداً راپورت کمیسیون خوانده شد)

**نایب رئیس** - دیگر در این باب مذاکره نمیشود هر کس از آقایان تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**نایب رئیس** - با اکثریت ۳۹ نفر تصویب شد حوزه انتخابیه فارس ۱۲ نفر

**نایب رئیس** - در باب عده دوازده نفر مخالفی هست؟

**حاج سید ابراهیم** - در شور اول بعد از اینکه پیشنهاد حوزه بندی های وزارت داخله که بکمیسیون فرستادند و کلاهی فارس هم بلاخطه اطلاعاتشان حاضر شدند و نمایندگان دولت هم در کمیسیون حاضر بودند مذاکره شد که بقارس و بنادر ۱۶ نفر بدهند بواسطه اینکه بنادر خودش جایی است موضوع افزایس و کمال اهمیت دارد طول خاکش سجد فرست است و جمعیت هم خیلی زیاد است و اجرا بجهت آورده اند جزء فارس کرده اند آنوقت میگویند بقارس دوازده نفر داده ایم حال آنکه اگر خوب ملاحظه شود و حق بنادر را ملیحه کنیم و باید گفت ده نفر بقارس و یک نفر داده ایم و بنده ده نفر را برای فارس خیلی کم میدانم بجهت آنکه مطابق این حسابیکه بنده کرده ام و عرض میکنم فارس ۲۳ خاک کم نشین ۲۱ بلوک دارند نقشه اش هم هست اگر آقایان بخواهند ملاحظه خواهند کرد و مرا کز بعضی نوشته شده است و بعضی نوشته نشده که برای اطلاع خاطر نمایندگان عرض میکنم اوانات قلمری - کین هین - مرودشت - کردباد بیضا راجرد - ممسنی - سرحد چهاردانکه - شش ناحیه - کهنه دار - ناد - کارزین - مجال اوبه - مامور محلاتی - جنج افزر - مرغاب - سره جات و بعضی قضایات مهمه دیگر هم هست که در این حوزه بندی نوشته نشده مثل خضر امامزاده اسمعیل وسیک سیوند - سیرم - بویجان - میمند فش آباد رزقان کویم و گمان میکنم فارس اگر ربع ایران نباشد از حیث جمعیت خمس ایران حکمتر نیست و از حیث خاک هم نمیشود که از ربع ایران حکمتر باشد و بر حسب جمعیت بیش از این است کده نفر با بدهند پس از جهتیکه تصور میشود باو تعدی شده است و هیچ جهتی ندارد که ده نفر بقارس بدهند بجهت آنکه از روی هر میزانیکه ملاحظه کنید می بینید ده نفر کم است و از برای جمعیت هر صد هزار نفر یک نفر کم است و از روی وسعت خاک هم کم است بجنب آنچه در جغرافیا نوشته اند با آنکه تحقیقی نیست و عده را خیلی کم نوشته یازده نفر کم است و بنده برای شاهد مدعی یک مثالی میزنم تا خاطر نمایندگان مستحضر شود که با این ترتیب باحضر نقاط فارس ظلم شده است مثلاً لارسیه که بزرگتر از عراق است تقریباً ربع خاک فارس است و یکصد هشتاد و از تومان مالیات آنها است حسیات

آنها هم طوری است که در استبداد صغیر ششام با اودوی استبداد اتباع محمد علی میرزا جنک می کردند و بحسب جمعیت البته بیش از دروست هزار نفرند معذک یک و کیل بپرد داده شده از همین یک مثال معلوم میشود که عده نمایندگان فارس کم است بجهت آنکه نوشته اند ۱۲ نفر دو نفر مال بنادر است و باید گفت بقارس داده اند چنانچه عرض کردم باید بقارس بیش از ده نفر و کیل داد زیرا بهیچ میزانی نمیتوان گفت باید بقارس ده نفر داده شود نمایندگان معلوم شده شاید بعضی از وکلای فارس در کمیسیون نبودند که توضیحات بدهند و گمان می کنم بعضی از اعضاء کمیسیون هم موافقت با اینکه عده نمایندگان آنها کم است و بنده هم بلاخطه اینکه عده آنها زیاد نشود پیشنهاد کردم برای لارسیه بکنفر اضافه شود و باز میدانم بسیاری از نقاط مهمه فارس از انتخاب و رای دادن محروم میشوند ولی چون نظردار نظر مجلس شورای ملی هم این است که عده زیاد نشود که زودتر مجلس افتتاح شود و باین نظر اگر عده مجموع کمتر باشد نصف آن کمتر است و اجتماعشان زودتر معقق و مجلس افتتاح میشود ولی باز ۱۵ نفر باید بقارس و بنادر داد اگر نظرباستماتاق بود عرض میکردم هیچ عده بقارس و بنادر داد که حقیقه اطراف و نقاط هم بتوانند ببینند رای بدهند ولو ده فرسخ و یازده فرسخ باشد لهذا پیشنهاد میکنم که یک نفر بیلا سیمه افزوده شود.

**نایب رئیس** - فقط در خصوص عده مذاکره میشود در تقسیم بعد مذاکره میشود.

**ذکاء الملک** - اولاً این که میفرمائید نظرمه و خودشان بر اینست که عده نمایندگان خیلی زیاد نشود گرچه اینرا فرمودند لکن باز هم بنده عرض میکنم که وقتیکه تمام نمایندگان نظرشان این باشد که هر کیلی نسبت بمحل خودشان اظهار بدارند که نماینده اش کم است و باید زیاد کرد قبلاً باین ترتیب عده زیاد میشود و اینکه در دفعه سابق که نمایندگان بصد و پنجاه رسیده بودو بهین نظر بود که نمایندگان هر محل اظهار میداشتند که عده نفوس آنها زیاد است و نمایندگان آنها کم است و حالا هم اگر اینکار را بکنیم همان خواهد بود و زحمت بجائی کشیده ایم و از طرف دیگر اینجا هم آن عرضیکه در باب آذربایجان عرض کردم که دو نفر نماینده ایلات است در فارس هم آنها اضافه میشود و آنها را هم جزء فارس باید حساب کرد و بنا بر این فارس ۱۴ نفر دارد و این که بنادر را خارج از فارس میکنند بنادر در هر صورت مسلم است جزو خاک فارس است و نمیتوان گفت که خارج است نمیدانم ایشان از روی چه میزانی میفرمایند بنادر جزو فارس نیست گویا چون در کنار دریا است و بنادر است تصور میفرمائید خارج از فارس است اینطور نیست و این که میفرمایند فارس ربع ایران است اینرا بنده از روی نقشه نگاه میکنم ببینم که ربع ایران نیست چیزیکه معلوم میشود و اهالی آذربایجان میگویند اینستکه میگویند آذربایجان

خمس ایران است اگر چه بنده آنرا هم نمیدانم ماخذی داشته باشد یا خیر ولی عرض میکنم که اینرا باید مسلم داشت که عده نفوس آذربایجان نسبت بقا کش متراکم است در جائیکه در ایران عده نفوس زیاد است نسبت بقا کش همان آذربایجان است آن وقت در صورتیکه بتوان آذربایجان را تصدیق کرد باین که ربع یا خمس ایران است دیگر نمیشود فارس را گفت ربع یا خمس ایران و این حوزه بندیکه شده است خود آقایان نمایندگان فارس کرده اند و اگر در عده نمایندگان موافق نبوده اند در حوزه بندی موافق بوده اند و اگر بنا باشد باز همانطور زیاد بکنیم عده نمایندگان را بالاخره سر بهمان ۱۵۰ خواهد زد و آن متصود یکی از بین خواهد رفت و میگویم مخصوصاً اینرا در این موقع عرض بکنم که بکنظر قانونیکه همه تصدیق دارند اینستکه نماینده که از ولایات انتخاب میشود و میآید بطهران همه نماینده ملت ایران هستند پس آنقدر تفاوت نمیکند که فرضاً یک نفر از نمایندگان اینجا کسر شده بر جاهای دیگر افزوده شده باشد اینچه فرقی دارد البته هر جا نماینده کل مملکت است نماینده فارس نماینده تمام مملکت است نماینده آذربایجان هم نماینده تمام ایران است نماینده طهران هم نماینده تمام ایران است و با این که مایک احصائیه صحیحی نداریم که بتوانیم از روی فوت قلب بگوئیم که جمعیت فلان ایلات قدر است در این صورت آن قدر تفاوت نمیکند بر فرض که یک نفر آنجا کم شد بر جای دیگر افزوده شده باشد آنقدر تفاوت نمیکند و اصرار بکنند یک نفر اضافه شود یا این که اگر یک نفر از وکلای فارس بر عده وکلای آذربایجان افزوده شده باشد.

**نایب رئیس** - مذاکره در خصوص عده کافیست؟ (بعضی کافی و بعضی غیر کافی دانستند)

**نایب رئیس** - پس رای میگیریم در خصوص این که مذاکرات کافی است یا کافی نیست آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (بعضی قیام کردند)

**نایب رئیس** - معلوم میشود که مذاکرات کافی نیست آقای حاج آقا بفرمائید.

**حاج آقا** - بنده تمام نظر اینکه آقای ذکاء الملک که با فرمودند تصدیق میکنم ولی متأسفانه این تقصیر وکلای بلاد نیست کدر یک چنین موقعی مدافعه میکنند در عده نمایندگان محل خودشان صحبت میدارند.

( نایب رئیس خواهش میکنم آقایان خارج نشوند بواسطه این که عده از آن مفیداری که کماز برای مذاکره لازم است میافتد).

بواسطه آنکه هیچکس هم تقاضا نمیکرد که چیزی افزوده شود ولی میبینم در بعضی جاها تقاضا میشود که افزوده شود و افزوده میشود کم هم میشود و بنده از کسانی بودم که از اول همراه نبودم که عده زیاد شود ولی اگر اول ماقط میگردیم که عده چقدر باشد و آنوقت عده صد و بیست نفر باشد آن وقت آن صد و بیست نفر را به تعادل و تناسب قسمت میکردیم یا ایالات و ولایات آن وقت کسی

هم تقاضا نمیکرد که اضافه شود ولی بعد از آنکه یک چنین میزانی تعیین نشده بعضی از جاها افزوده میشود و در بعضی نقاط همان طور میماند آنوقت مجبوریم که مدافعه بکنیم از حقوق محلی خودمان آنوقت گفته میشود که بنا بر این عده و کلاه نباید زیاد بشود در صورتی که بنده میجویم که مدافعه کنم بجهت اینکه از میزان تناسب بیرون میروند اما اینکه فرمودند نمایندگان ایالات و ولایات نماینده کل مملکت هستند صحیح است ولی همان طوری که تجربه بنا ثابت کرد و نشان داد دیدیم که و کلاهی اگر باندازه و تناسب آنجا باشند میتوانند منافع خصوصی و مصالح امور محل خودشان را اصلاح کنند و اگر کم شدند نمیتوانند آنطوریکه لازم است حفظ کنند بهینطوری که در این دوره امتحان شد و دیدیم که ما وکلای فارس وقتیکه آمدیم بطهران سه نفر بیشتر نبودیم و سایر وکلا بدبختانه بواسطه اختلافات فارس نتوانستند بیایند و در خصوص اصلاحات فارس هر چه فریاد زدیم با اینکه خیلی فریاد زدیم لکن آنچه البته بجائی نرسد فریاد است فایده مطلوبه حاصل نشد ار اینجهت عرض میکنم که در یک همچو موقعی باید مدافعه کنیم و عرض کنم که میزان وکلای فارس که دوازده نفر نوشته شده بکنی متناسب است و از حیث جمعیت قانونی هم خارج است بواسطه اینکه من فرض میکنم که ایالات آذربایجان همانطوریکه فرمودند بر حسب جمعیت با وجود اینکه بر حسب نسبت خاکش هست و اگر بقاری ملاحظه کنند گمان نمیکند این قدرها فرقی با آذربایجان داشته باشد ولی فارس خاکش بجهت جمعیتش کمتر است پس از این جهت بنده او را قبول میکنم ولی سایر ایالات دیگر را می بینم مثلاً خراسان را میبینم یازده نفر نوشته اند و از مجلس گذشته و فارس را که در آن دوره انتخاب و این دوره انتخاب با خراسان یک میزان گرفته بودند فارس را دوازده نفر و خراسان را هم دوازده نفر نوشته بودند و هر دو را یک میزان گرفته بودند در این مرتبه خراسان را یازده نفر و فارس را با بنادر دوازده نفر نوشته اند و اگر نظر با اهمیت محلی است البته گمان میکنم هیچیک از آقایان و کلاهی متکر این نباشند که امروز خلیج فارس مهم ترین نقاط ایران و بنادر فارس از حیث اهمیت لازم الرعایه است و بنادر فارس یک قطعه خیلی مهم ایرانست پس از حیث اهمیت کمتر از سایر نقاط مهمه ایران نیست و از حیث جمعیت هم کمتر از سایر ایالات ایران نیست و از حیث تناسب درست و عدت شده است و افزایزادتر از جاهای دیگر تقاضا نکنند نباید از جاهای دیگر کمتر بدهند در حقیقت بقارس نه نفر و بنادر سه نفر داده شده آن وقت میفرمایند دوزن هم وکلای ایلات است در صورتیکه میدانند نمایندگان ایلات نه از حیث جمعیت است نه از حیث محل چندان نسبت و ارتباط ندارد بویکل محلی بنده تقاضا میکنم که اقلاً وکلای فارس را مثل سایر نقاط مهمه تصور بکنند و بکنند دیگر در همچو موقعی اضافه بکنند اگر چه حاج سید ابراهیم پیشنهاد کردند که بسیمه اضافه

شود ولی بنده تصور میکنم اگر افزوده میشود؟ آنکه که یکی از بنادر است خوب است افزوده شود که در آنجا حوزه انتخابیه قرار بدهند که آنوقت قدری کمتر بایات فارس ظلم شده باشد و قدری مراعات تناسب هم شده باشد.

**مهرزاد الملک** - نظر بنده آن فدرها باین نیست که مقید باشیم که عده زیاد نشده ولی البته این نظر را دارم که اگر بشود عده را کمتر قرار داد بهتر خواهد بود و نظر بنده بنده این است که از روی جمعیت باشد ولی همان نظر بنده که موافق بانظر نمایندگان فارس است گمان میکنم این دوازده نفر برای فارس کافی است و تصور بکنند که ایالات هم دو نفر داده شده است یکی از برای ایل فشقائی و یکی از برای ایلات خسه هرب وغیره پس مجموع نمایندگان فارس چهارده نفر است پس اگر از این مد نظر نگاه بکنیم نمایندگان فارس دو نفر یا ایلات آنها داده شده همانها هم که از روی ایلیت و کیل میدهند آنها هم جزء جمعیت فارس هستند و بنده تصور میکنم که فقط نظرمان باین باشد همینطور که آقای حاج آقا فرمودند که برای پیشرفت مقاصد محلی عده را زیاد بکنیم و نظر ما هم باین باشد که کسی عده نمایندگان اسباب از نظر افتادن آنمحل خواهد بود در صورتیکه تجربه نشان داده است که برعکس بوده است فارس که عده نمایندگان کم بود دیدیم که در موقعیکه قدری وضع فارس جالب دفت شده بود چه از طرف نمایندگان فارس چه از طرف سایر نمایندگان علی السویه اقدامات میشد و تمام توجه کلیه نمایندگان بطرف فارس معطوف شده بود با اینکه قدری اوضاع فارس بهبودی حاصل کرد و بنده تصور میکنم که از حیث جمعیت و چه از منظر خود منافع محلی چهارده نفر برای فارس کافی است.

**نایب رئیس** - مذاکرات حالا کافی است؟ (تصدیق کردند که کافی است)

پیشنهادی شاهزاده محمد هاشم میرزا کردند قرائت میشود (بیارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم عده نمایندگان فارس بنادر ایلات یازده نفر مقرر شود.

**محمد هاشم میرزا** - عرض کنم اظهاراتیکه آقایان موافقین فرمودند بنده را قانع نکرد و آن دلیلیکه از برای نمایندگان آوردند در طهران رعایت نشد و این استثنای طهران از سایر نقاط و ادله اش بنده را قانع نکرد و بنده چون دو ماه در کمیسیون بودجه مشغول رسیدگی بمالیات فارس بودم و اشغابیکه بصیر بودند بآنجا از قبیل مستوفی فارس وغیره و آقای حاج سید ابراهیم و سه چهار نفر از اشخاص مطلع بصیر از اهل فارس که حضور داشتند و رسیدگی شد بجزه مالیات آنجا بالناسبه مذاکره از عده نفوس آنجا شد آنوقت هم صحبت انتخابات در بین نبود از آن مذاکرات معلوم میشد که فارس کمتر از خراسان نیست و بنده چهارده نفر را کم میدانم از برای فارس و یازده نفر کافی و متناسب است که تصویب شده.

**نایب رئیس** - آقای مخبر چه میفرمائید؟ (ذکاء الملک - رای بگیرد)

**نایب رئیس** - رای میگیریم باین پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا که عده نمایندگان کلیه فارس و ایلات فارس را یازده نفر پیشنهاد کرده اند آقایانیکه تصویب میفرمایند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**نایب رئیس** - با اکثریت ۳۴ رای از ۶۵ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد پیشنهاد دیگری هم از طرف آقای حاج سید ابراهیم رسیده است چون باین ترتیب گمان میکنم حوزه بندی آن در کمیسیون باید ترتیب داده شود باین پیشنهاد رجوع میکنم بکمیسیون.

**آقای سید حسن مدرس** - یک عرض مختصری دارم اجازه بدهید.

**نایب رئیس** - در چه خصوص است اگر رجوع بقارس است گذشت.

**آقای مدرس** - اجازه بفرمائید عرض بکنم خیلی لازم است ضروری ندارد.

**نایب رئیس** - بفرمائید.

**آقای مدرس** - میخواستم عرض بکنم بکلمه ملک در بین این مملکت اسمش برده نشده است و کم شده است.

**نایب رئیس** - پیشنهاد بفرمائید حوزه قزوین خوانده میشود (بیارت ذیل خوانده شد)

قزوین - عده نمایندگان ۲ نفر اسامی نقاط جزء هر حوزه انتخابیه - قزوین - طالقان - خرقان - افشاریکشو - عده نمایندگان حوزه ۲ نفر مرکز حوزه انتخابیه قزوین.

**ادیب انجار** - دو شور اول در باب قزوین بنده آنچه اطلاع داشتم بوجه اجمال عرض کردم و چون شور دوم میشد بنادش آنچه پیشنهاد هست و اظهاراتیکه هست در کمیسیون انتخابات عرض بشود ولی افسوس که دارم اینست که چند دقیقه تقاضا کردم که بروم در کمیسیون انتخابات که آنچه می دانم و صورت رسیده است و تفصیل قراء و دعوات حوالی قزوین را می دانم حضوراً شرح بدهم و رقم شهبان از آقایان اعضاء کمیسیون بشود موفق نشدم بواسطه این که اوقات آقایان خیلی گران بها بود ولی باز بوظیفه خودم عمل کردم سه صورت دادم یک صورت به آقای حاج سید نصرالله و دو صورت به آقای ذکاء الملک و تقریباً صورت دعوات را هم نوشته ام با شرح و بسطیکه لازم است بنده اصرار ندارم در اینکه عده و کلا زیاد بشود لکن بدو جهت لازم میدانم که این اظهارات را بکنم بعد از آن موقوف برای مجلس شورای ملی است بکنی مسئله حفظ حقوق موکلین است و یکی هم اینستکه چون نظر کمیسیون بر این بود که عده نمایندگان ۱۲۰ نفر باشد که زود مجلس افتتاح شود آن نظر بهم خورد چنانچه دیدیم بچند جا اضافه شد تا این استلال آقایان در کم بودن باین بود که نمایندگان زود تر حاضر شوند بمجلس شورای ملی بنده عرض میکنم همین نظر بود که در باب طهران رای دادید یازده نفر همین نظر در باره قزوین هم هست چنانچه دقتان را در آن ولایاتی بکنید که به آنها شش نفر هفت نفر نماینده دادید بعضی ها نیامدند و از بعضی ها یکی دو نفر آمدند ولی اهالی قزوین این فضل را دارند که افضل للتقدم دیگر مصرع ما قبل را نمی

خوانم که دو ماه با افتتاح پارلمان مانده و کلبشان را فرستادند باین جا که بنده باشم که دو ماه در کمیسیون عالی خدمت کردم تا اینکه در فروردین در مجلس افتتاح شد پس حضرات عالی خوب بود آن تدقیقات را در آن ولایات بکنند که حالیه هم وکلای آن‌ها نیامده اند در صورتیکه ده دوازده نفر بآنها وکیل داده اند در این صورت خوب است قزوین را هم ضمیمه بکنند بطهران در حاضر کردن و زود فرستادن نماینده باین جا و من خیلی اصرار ندارم همین قدر می‌خواهم حق آشهر تضییع و تلف نشود اینستکه استعفا بکنم امشب بگذرد تا در کمیسیون یک نظر مجددی بشود چون یک وقت کلمی نشده است اگر هم بفرمائید که چند نفر نمایندگان دولت هم آن جا بوده اند و آنها نظراتشان بر این بوده است من مخالف نظرات آنها نیستم ولیکن بنده نظرات خودم را کمتر از نظرات آنها نمی‌دانم هلتش هم اینست که ممکن است عرض کنم آقای علام‌الدوله در قزوین حکومت نکرده اند و ممکن است بگویم آقای حاج معتمد السلطنه در ارومیه اطلاعات کامله دارند بواسطه این که دو سال در آن جا بوده اند لکن از قزوین اطلاعات کامله ندارند بواسطه این که شاید دو ماه هم در آنجا نمانده اند و همینطور آقای سهام‌الدوله و فرمانفرما ممکن است در آنجا چون نبوده‌اند اطلاعات نداشته باشند ولی بنده ده سال مانده ام و تدقیقات خودم را کرده ام بآن اندازه که بنده دقت دارم و بر حسب وظیفه آنچه اطلاع دارم باید عرض بکنم در آن راپورتی که سابقاً داده شده بود قدری جامعتر بود چنانچه آقای مخیر هم تصدیق فرمودند در این راپورت فقط قزوین و طالقان اظهار بشکلو نوشته شده و الموت و رودبار محمد زمانخانی که آقای مخیر هم فرمودند الموت از جاهای تاریخی است اینها از قلم افتاده است خرقانات را هم بطور اجمال جمعی بسته اند اما آن جمعیکه در پاره زنجان بسته شده بود یک قدری اشتباه شده بود صحیح است سه فرمان است یکی راجع بقزوین است و بنوک زهرا هم از قلم افتاده است ایل جلیل اسلانو هم از قلم افتاده است باید اینها را حالا درست بکنند آقای مخیر هم تصدیق فرمودند که اینها ضمیمه بکنند اما جمعیت قزوین و حوالی آن بوجوب تحقیقاتیکه شده است و بالاتر از آن تحقیقی که معمول است چهل هزار نفر قزوین و اطراف قزوین بوجوب صورتیکه داده‌ام که فرداً در همین کرده‌ام و تمام جزئیات در او هست ۱۱۴۸۱۴ نفر جمعیت دارد طالقان چهل هزار نفر طارم سفلی ۲۵ هزار نفر الموت و رودبار محمد زمانخانی ۳۵ هزار نفر بلوک زهرا هم ۱۷۵۰۰ نفر جمعیت دارد که جمعاً ۳۹۵ هزار جمعیتش میشود که قریب چهارصد هزار جمعیت اینجاها است و اگر حقاً بخواهند حق اهل قزوین را که یک شرافت خیلی بزرگی است بآنها بدهند چهار نفر وکیل باید بآنها حق بدهند ولیکن چون بنده چندان اصرار ندارم این تقاضا را کرده‌ام و خدمت آقای نایب رئیس تقدیم میکنم اگر آقای مخیر که هیچ غرضی ندارند و بعضی از اعضای کمیسیون هم هیچ غرضی ندارند و بنده می‌ترسم که این آنجا محل بمباند و حالا هم جمعیت مجلس

کم است لهذا بنده تقاضا می‌کنم که آقای مخیر که می‌خواهند با نظر عمیق بفرمایند همراهم بفرمایند باینده در اینستکه اینستکه قزوین باشد اگر در کمیسیون هم می‌خواهند توضیحاتی داده شود بنده را بخواهند استدلال بکنم و حاضریم که مدلل بکنم **نایب رئیس** - بگذردی در مذاکرات خوب است باز اکت صحبت بداریم و امضای کمیسیون هم هیچک غرض و مقصودی ندارند **ادیب‌التجار** - توضیح دارم چون امروز صبح در حضور چهار نفر نماینده ملت بعضی بی اعتدالها را آقای هشترودی فرمودند این بود که بنده عرض کردم دیگر عرض نمی‌کنم که علم دارم **نایب رئیس** - عقاید آزاد است و البته هر کس میتواند اظهار عقیده بکند **افتخار الواعظین** - شاید تصدیق بکنم بنده که درباره بعضی جاهای ایران نسبت بی‌معنی جا های دیگر بشون احتمال داده‌ام حق انتخاب نماینده کمتر داده شده است ولی بنده عرض میکنم که این یک نظر را هیچوقت نباید فراموش نکرد حتی اینکه دیشب در همین جا استاده بودم عرض کردم نسبت بخراسان که نمایندگان خراسان را که ۱۵ نفر نوشته بودند اگر هشت نفر هم معین میکردند عرض نمی‌کردم فقط در آن حوزه بنده یک مخالفتی کردم که قدری بی اعتدالی شده بود آن هم اصلاح کردند حالا هم باز عرض میکنم باید این نقطه نظر مهم منظور باشد که عده نمایندگان از ۱۲۰ نفر متجاوز بشود برای اینکه زود تر ۶۱ نفر حاضر شوند یک نظر دیگر هم نظر بمالیه مملکت است و یک نظر دیگر بنده دارم که آن نظر نسبت به کل و مملکت مجلس هست چون محلیکه برای مجلس شورای ملی تهیه شده است بنسبیت و اربرای صدویست نفر تهیه شده است وقتیکه عده نمایندگان افزوده شد باید یک جای دیگری تهیه شده این مکان گنجایش زائد بر آن را ندارد دیگر آنکه نمایندگان هم در قانون اساسی تصریح شده است که نمایندگان همان محل مخصوص نیستند نمایندگان تمام مملکت هستند پس نمایندگان فارس یا خراسان یا قزوین این نسبت را مادام می‌توان داد که انتخاب نشده باشند و الا پس از انتخاب نماینده تمام ملت محسوب میشوند و نماینده خراسان محققاً نماینده قزوین و نماینده قزوین مسلماً نماینده خراسان هم هست و هیچ فرقی هم ندارد همان شکلیکه نماینده قزوین همان طوری که حق دارد در اینجا نشسته باشد و نسبت به حقوق اهالی خراسان و آذربایجان و کلیه اهالی ایران صحبت کند همان طور حق خواهد داشت که در پاره حقوق موکلین خودش صحبت بکند پس باین هلت چندان لزومی ندارد و نمی‌توان عده نمایندگان قزوین را زیاد کرد بجهت اینکه عده نمایندگان کلیه ایران زیاد میشود و اما در باب زیادی و کمی عده نمایندگان بنده حاصل تجربه خودم را نسبت بخراسان عرض میکنم و آن اینستکه هر جائیکه نمایندگان آنجا کمتر هستند زودتر نمایندگان آن‌ها حاضر می‌شوند از برای مذاکرات محلی اگر چه بنده در این مقام باید تشکر کنم از نمایندگان خراسان که با کمال صمیمیت و با

کمال موافقت و با کمال مراقبت همیشه حاضر بودند از برای مذاکرات محلی ولی این بدیهی است که دوپاسه نفر زودتر حاضر میشوند برای مذاکرات و بعضی اقدامات تا اینکه نفر باشد و بنده دیگر نسبت بجمعیت عرض نمیکنم ولی گمان میکنم اگر آقای ادیب‌التجار دوست ملاحظه بفرمایند نسبت بقزوین ظلم نشده باشد و دوتنفر نماینده از برای قزوین کافی است و بدیهی است که آن دو نفر هم نماینده قزوین تنها نخواهند بود بلکه نماینده تمام ایران خواهند بود **ذکاء الملک** - برای اینکه مذاکرات زیاد نشود رجوع بکمیسیون بفرمائید **نایب رئیس** - پیشنهادی هم از طرف آقای آقامیرزا احمد شده خواننده میشود و رجوع میشود بکمیسیون (بعبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم الموت و رودبار با کلمه و سایر بلوکات اضافه شود (ایضاً از طرف ادیب‌التجار قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم بقزوین و اطراف آن و طالقان و الموت و رودبار محمد زمانخانی و خرقان افشار و خرقان قبتولو و خرقان قراگوزلو و بلوک زهرا و ایل اینانلو سه نفر وکیل داده شود **نایب رئیس** - حوزه انتخابیه قم خواننده میشود (بعبارت ذیل خوانده شد) اسامی ولایات - قم - عده نمایندگان - یک نفر نقاط جزء هر حوزه انتخابیه - قم و توابع عده نمایندگان حوزه - یک نفر - مرکز حوزه انتخابیه قم ... **نایب رئیس** - مخالفی نیست؟ رای می‌گیریم در حوزه انتخابیه قم بطریقیکه قرائت شد آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اقلب قیام نمودند) **نایب رئیس** - تصویب شد - کاشان کاشان دو نفر - کاشان و نطنز و جوشقان و توابع **نایب رئیس** - مخالفی نیست؟ **شهبانی** - اگر چه آقای ادیب‌التجار در مسئله قزوین مطالب خیلی مفصلی با کمال حرارت اظهار فرمودند لکن بنده می‌خواهم بدون حرارت تکرار بکنم عرایض سابق خودم را سابق عرض کردم که این ترتیب حوزه بندی بهیچ وجه من‌الوجه داخل نخواهد کرد و شرکت نخواهد داد نطنز را در انتخاب کاشان حالا هم باز عرض میکنم در شور اول هم عرض کردم تعداد نموس آنجا را دیگر تکرار نمیکنم همینقدر عرض میکنم نطنز و اردستان را یک نفر وکیل بدهند کاشان و جوشقان را دو نفر وکیل بدهند که این تقریباً دوست هزار جمعیت دارد از روی آن صورتی که بنده عرض کرده بودم و حالا اینجا حاضر نیست که از روی آن پیشنهاد عرض کنم و این ترتیب که دو نفر بکاشان داده اند صحیح نبوده است و لکن از آنجائیکه نظر خود بنده هم بیش از صد و بیست نفر در کلیه نمایندگان نیست عرض نمیکنم اضافه شود یک نفر بکاشان برای نطنز ولی عرض میکنم نطنز بکلی محروم خواهد شد و از برای اینکه محروم نشود خیلی مناسب خواهد بود که دو اینکار یک وقت نظری بکنند که نطنز ۱۶ که

فرسخ بلکه بیست فرسخ خاک دارد محروم نشود چون نمیتواند شرکت بکند در انتخابات کاشان **افتخار الواعظین** - بنده بنظریکه در قزوین عرض کردم در کاشان هم عرض میکنم که دو نفر کافی است و آقایان هم باید نظرشان باین نباشد که نماینده کاشان است و آن دو نفر نماینده کافی نخواهد بود بجهت اینکه آن دو نفر نماینده تمام ایران است و اختصاص بکاشان ندارد و اما در باب اینکه نطنز نمیتواند شرکت کند در انتخابات عرض میکنم در قانون مصرح است که هر جا انجمن مرکزی لازم بداند یک انجمن نظارت جز معین خواهد کرد و آنوقت اهالی میتوانند در آن انتخابات شرکت بکنند منتهی نتیجه آن انتخابات خواهد آمد بکاشان و در آنجا معین خواهد شد که با کثرت کی را انتخاب کرده اند دیگر لازم نیست که اهالی جوشقان و نطنز بیایند بکاشان رای خودشان را در آنجا بدهند **وحیدالملک** - بنده در تأیید اظهارات آقای شهبانی عرض میکنم که فاصله بین نطنز و کاشان چهار منزل است و هیچوقت حکومت کاشان و پیشکار مایه از کاشان نرفته است بنظرم و هیچوقت نطنز جزء کاشان نبوده است در قدیم الا ایام جزء اصفهان بوده است اما جزء کاشان هیچ نبوده است و فاصله اش هم خیلی است تایین بین اخلاقشان هم خیلی وسایقاً بنظرم داده نشده بود در درجه اول و سه نفر بکاشان وکیل نطنز حاضر نشده بود و انتخابات کاشان بعمل آمده بود و این اسباب شکایت اهالی نطنز شده بود و یک مرافعه شده بود که چندین ماه در کمیسیون مجلس طول کشیده و بنده عرض میکنم اگر در این انتخابات نطنز و جوشقان را داخل کاشان بکنند همان محرومیتی را که آقای دکتر رضا خان اصرار فرمودند در اینجا واقع خواهد شد بنده باین جهت یک پیشنهاد کتبی داده‌ام خواننده میشود که در این موضوع بکاشان یک نفر داده شود و من هم مثل آقای شهبانی اصراری ندارم و اینکه عده زیاد شود لکن پیشنهاد اینست که نطنز و جوشقان هم محروم نشوند و یک نفر هم بآنها داده شود **آقای میرزا ابراهیم خان** - از طرف آقای وحیدالملک و آقای بهجت یک مضمون پیشنهاد شده است **ذکاءالملک** - این بنده پیشنهاد میکنم که یک نفر نماینده بکاشان و توابع داده شود و یک نفر هم برای نطنز و جوشقان و توابع معین گردد از طرف آقای بهجت - بنده تقاضا میکنم که کاشان و نطنز این قسم حوزه بندی شود کاشان و توابع یک نفر مرکز کاشان نطنز جوشقان یک نفر مرکز نطنز **ذکاءالملک** - برای نطنز و جوشقان محل انجمن مرکزی را معین نکرده اند در هر صورت رجوع شود بکمیسیون **نایب رئیس** - بقیه شور اول قانون انتخابات میبماند بروز سه شنبه راپورت کمیسیون بود چه راجع بقیمت گندم خواننده میشود **راپورت** کمیسیون بود چه راجع بطلب ارباب لطف‌الله (بعبارت ذیل قرائت شد)

لایحه وزارت مالیه راجع بطلب ارباب لطف‌الله از بابت خرید گندم در کمیسیون بود چه مطرح گردید نظر باینکه وزارت مالیه تصدیق در طلب مزنی‌الیه نموده با کثرت آراء عین ماده پیشنهاد وزارت مالیه را تصویب نموده و چون این حساب جزء معاملات سه ماهیه ایل است در کمیسیون رای داده شده است و از بقایای سه ماهیه پرداخته شود عین پیشنهاد وزارت مالیه نیز طبع و برای اطلاع نمایندگان محترم توزیع شود **ماده واحده** - وزارت مالیه مجاز است مبلغ دوازده هزار و دوست و یازده تومان طلب ارباب لطف‌الله را از بابت قیمت گندم از بقایای سه ماهیه ایل ایل بپردازد **نایب رئیس** - آقای ارباب مخالف هستند **ارباب کیخسرو** - اولاً در مقدمه این راپورت در کافتیکه وزارت مالیه نوشته است این ضرری که وارد شده است بر حسب تصویب مجلس بوده است **کویا** وزارت مالیه فراموش کرده‌اند مخصوصاً چند ماه قبل یک لایحه به مجلس فرستاده بودند که یک مبلغی مجلس از بابت ضرر جنس تصویب کند و از مجلس نگذشت مخصوصاً در زمان وزارت شاهرزاده عین الدوله بود اینجا مذاکراتی شد و ایشان آن لایحه را پس گرفتند و اولاً می‌خواهم عرض کنم که این بر حسب دستور العمل مجلس نبوده است مسئله دیگر اینکه باید در اینجا یک تکلیفی معین شود برای این مسئله و برای اشخاصی که با دولت معامله میکنند و تکلیفشان معلوم شود بواسطه اینکه دولت از این جور معامله زیاد میکند این قبیل معاملات چه باید بشود به که باید رجوع شود آیا باید معامله که دولت میکند لایحه آن از مجلس بگذرد نمیشود که همه معاملات دولت را هم روزی بیاروند به مجلس عقیده بنده این است دولت قبل از آنکه داخل این قسم معاملات بشود باید یک اعتباری از مجلس بخواهد که همه این جور معاملات را بمجلس بیاروند که اسباب زحمت مجلس بشود و اما این اعتبار را بنده نمیدانم از برای چه می‌خواهند از برای ضرر گندم است یا از برای جنسی که برای قشون گرفته‌اند چون نوشته است که از برای ضرر گندم و جنسی که بقشون داده شده است جنسی که بقشون داده‌اند مگر جزء بودجه مملکت نیست بنده موافقت دارم که البته باید پول ارباب لطف‌الله را داد ولی این را نمیتوانم رای بدهم که از چه بابت است که اینجا علی‌حده اعتبار خواسته‌اند بهر حال بنده مخالف آن نیستم آن تاجری که یک پولی بدولت داده‌است البته باید فوری پول او را بدهند که اعتبار دولت باقی باشد و برای یک تاجری هم اسباب خسارت نشود که مدتی پولش بعهده تعویق بیاند زیرا آن فایده را که تاجر باید ببرد بواسطه تعویق افتاد هم پول نیبیرد و این خودش در واقع ضرر مملکت است و دیگر اینکه این مطالبی است که راجع است بوزارت مالیه برای چه آورده‌اند به مجلس و اجازه می‌خواهند اجازه چه چیز را می‌خواهند باز هم تکرار میکنم در یک قسمت دیگر که نوشته آن جنس را خریدند و بقشون داده‌اند آن جزو کی محسوب میشود بنده که نمیدانم آن جنس را

بقشون داده‌اند یا بجاهای دیگر مصرف شده است مگر این جزء بودجه مملکت نیست مگر کمیسیون اگر اطلاعاتی دارند بفرمایند تا بنده اگر عرضی دارم بند بگویم **حاج عزالمالک** - این اعتراضی که آقای ارباب کیخسرو فرمودند راجع بطلب ارباب لطف‌الله نیست راجع به بودجه مملکتی است و خرج جنس سه ماهیه این مسئله در کمیسیون بود چه مطرح مذاکره شد و همین اعتراضی را که آقای ارباب کیخسرو کردند بنده را غلبه امضا کمیسیون داشته‌اند ولی طلب ارباب لطف‌الله و معوق گذاشتن او مربوط باین نبود که بداند وزارت مالیه پارسان چه عمل کرده است در مالیات مملکتی همین دلیل هم بوده که کمیسیون رای داده که این پول از مالیات سه ماهیه داده شود و اینکه آقای ارباب کیخسرو فرمودند که وزارت مالیه نوشته است مقدار از این گندم را برای مصارف قشون پرداخته است بلی چون مانع است که بچقدر پارسان گندم وزارت مالیه اخذ کرده و چه مقداری صرف کرده و چه مقدار بقشون داده و از بودجه مملکتی مجلس اطلاع نداشت نمی‌توانست که دخل آن مطالب بشود لهذا فرستادند بکمیسیون مالیه و از طرف کمیسیون یک هیئتی انتخاب شدند رفته در وزارت مالیه و تصدیق کردند طلب ارباب لطف‌الله را که در حقیقت یک تشریحی باید پرداخته شود و کمیسیون تصدیق کرد که این وجه صحیح است و باید پرداخته شود و اینکه می‌فرمایند چرا به مجلس آمده‌است برای این بوده است وقتی که آقا نون گذشت که باید تمام عایدات و مصارف مملکتی با اطلاع خزانه دار کل باشد و هیچ وجهی بدون اینکه از تصویب مجلس بگذرد نمی‌پردازد و طلب ارباب لطف‌الله بواسطه آن ایراد خزانه دار کل بعهده تعویق افتاده بود وزارت مالیه ناچار بود که تصویب این را از مجلس شورای ملی بخواهد که ارباب لطف‌الله بطلب خودش برسد والا تمام و کلا محترم موافق خواهند بود که طلب یک شخص تاجری که در وقت عسرت کردن کمک کرده‌است پول او داده شود و اینکه باید بدانم که وزارت مالیه چه مقدار اخذ گندم کرده و بچه مصارف رسانیده این راجع میشود بکلیه مالیات مملکتی و این را بنده وسایل و کلای محترم اطلاع نداده‌اند که مسبقاً باخیم هیچ اطلاعی نداریم که مالیات مملکت چه شده است البته هر یک از و کلا حق دارند که بی‌رسند و اگر ممکن بشود میتوانند تحقیقاتی بکنند ولی این مطلب مربوط بطلب ارباب لطف‌الله نیست **ادیب‌التجار** - بنده مخالفتم را در کمیسیون مکرر عرض کردم میرزا این معاملات دولت معاملات دیگری هم در باب جنس کرده است و بنده نمیدانم علت چه بوده است که این یکی آمده است بمجلس اینکه مخیر محترم فرمودند تاجر باید بطلب خودش برسد آخر وزیر مالیه هست خزانه دار کل هست و کلا که فرداً نمیتوانند دقیقاً این را رسیدگی کنند که چه قیمت خریدند و چه قیمت فروخته‌اند در چند وقت قبل که برای رسیدگی عدل نان بایند نفر از آقایان که در کمیسیون نان بودیم صحبت از همین بود که بقشون داده شود این جنس فوق العاده که می‌گویند در وجه قشون وجیره قشون داده‌اند نمیدانم چقدر برده عده مملکت بنده در

این است که دولت معامله دیگر هم کرده است. چه اینکه این را بخصوص بمجلس آورده اند برای چیست چون بنده يك قدری در تصدیق کردنش شك دارم رای نمیدهم.

**حاج سید ابراهیم** - بنده عرض میکنم چه آمدنش بمجلس ایراد خزانه دار کل است که بنده از گذشتن آن قانون يك تصویب مجددی از مجلس میخواهد و پس ولی چه اینکه کمیسیون تصدیق کرده است که این پول باید داده شود اینست که در چندی قبل وزارت مالیه نوشتند بمجلس که ارباب لطف الله آنقدر بموجب صورت از بابت گندم از دولت طلب دارد البته از نرسیدن این پول هم بناجر ضرر وارد آمده و هم باعتبار دولت سخته وارد خواهد آمد باید دولت طوری با مردم رفتار کند که مردم دولت را خزانه خودشان فرض کنند نه اینکه طلبیکه دارندش ماه یا هشت ماه بگذرد و داده نشود و اسباب توقیف پول آن بیچاره را فراهم آورند این بود که کمیسیون بملاحظه نوشته های وزارت مالیه کمشول مالیه دولت است رای داد که طلب ارباب لطف الله داده شود ولی در فقره آنکه از بقایای سته ماضیه داده شود بنده مخالف هستم پس از آنکه دولت تصدیق میکند طلب ارباب لطف الله را دیگر از بابت سته ماضیه را لازم ندارد و عرض کردم گفتند که خزانه دار کل تصویب جدیداً تقاضا میکند این بود که باین ترتیب از کمیسیون بودجه به مجلس پیشنهاد شد و باعتقاد بنده محتاج برای نیست بجهت اینکه نمیشود رای نداد که طلب طلبکار پرداخته شود محتاج بر آن نیست دولت تماماً باید بدهد

**سپهبدان مهر زار** - بنده گمان میکنم از برای معاملات دولت و داد و ستد او یک فراری هست و عمل داد و ستد او باید با وزارت مالیه باشد عمل مالیه عموماً باید با اطلاع مجلس باشد و اینکه آقای ارباب کیخسرو و سایرین فرمودند که طلب يك تاجری را باید داد البته باید طلب يك تاجری را پرداخت و پولی را که گذاشته است در این راه باید داد ولی باید دانست که این معامله بجهت ترتیب بوده که بنده چند اشکال دارم اول اینکه این معامله چه صورتی داشته و بجهت از اینهم ممکن است وزرا يك معامله با يك تاجری بکنند هر طوری که دلشان بخواهد باز بیاورند به مجلس بعد از آنکه آن معامله گذشت او طلبکار شد يك لایحه را بیاورند به مجلس که این شخص طلبکار است باید داد آیا این صورت قانونی دارد یا هر لحظه ممکن است يك معامله صورت بگیرد دیگر اینکه بجهت حساب این اشخاص که این ها را امضاء کرده اند این حساب بر سر چه است میتوانیم بگوئیم که حق داشته اند آخر برای تفریق حساب دولت هم يك قانونی گذشت که باید آن اشخاص مین رسیدگی کنند نه اینکه هفت نفر یا يك هیئت را دعوت کردند پایك کمیسویی ننشسته است طلب ارباب لطف الله را تصدیق کرده است و رای داده است که باید طلب او داده شود که ما نمیتوانیم بتصدیق يك هفت نفری که نشسته اند با اکثریت چهار رای تصویب کرده اند که دولت باید بپردازد رای بهمیم و تسکینه کنیم به اند اعضای دیوان محاسبات بوده اند یا اعضای محاسبات وزارت مالیه هستند هفت نفر از خزانه دار

کل هستند معلوم نیست که سمت رسمی داشته باشند يك هشتی را وزارتخانه دعوت سکرده است دیگر معلوم نیست که از روی چه میزان حساب این را قطع و فصل کرده اند بین خودشان قطع کرده اند که از قرار خرواری ۱۷ تومان قیمت بدهند بجهت میزان بوده است و قطع شدن این معامله از روی چه سند بوده است معلوم نیست شاید بترتیب صحیحی اگر رسیدگی کنند زیادت از این یا کمتر از این باشد ما نمیتوانیم که بجهت دلیل باین ملت با این نسکی عایداتش بگوئیم که دوازده هزار تومان و کسری بدهد بنده تصور میکنم این معامله هیچ صورت قانونی در ابتدا نداشته و صورت تقریبش را هم بنده نمی دانم چه طور است که کمیسیون بودجه رای داده است اگر مقصود طلب ارباب لطف الله است که بر سرست بنده تصور میکنم با این ترتیب که پیش آمده است پرسند بجهت اینکه از بقایای سته ماضیه که نوشته اند دوازده هزار تومان کسری بدهند این بقایای سته ماضیه يك جمعی است و در مقابل خرجش معین است وقتیکه درست ماضیه باشد نمیدانم اشخاص را که در محل فرضشان است که باید از آن بقایای سته ماضیه بپردازند نباید بپردازند خیلی از مردم از بابت بقایای سته ماضیه طلب دارند اگر نباید بدهند این یکی را هم از آنها فرض کنیم باید دید که سایر طلبکار ها هم طلب سته ماضیه خودشان را نباید بگیرند بنده هیچ ملتفت نمیشوم که از روی چه نسبت است البته طلب يك تاجری که در وقت هسرت و در وقت تنگی غله کمکی کرده و همراهی کرده همه مردم را از عسرت خلاصی داده در موقع تنگی و هم خودش مدتی از فایده سرمایه خودش معلوم مانده باید داده شود این موضوع جای گفتگو نیست که باید پول این شخص تاجر داده شود اما باید يك خانه داد و این را ختم کرد و ترتیبی داد نه اینکه هر چیزی را که آمده سر خود معامله کردند ما مدیون آن هستیم همان طوری که اول عرض کردم نمی شود هر چیزی را سر خود يك معامله کردند بکشش ماه گذشت بیاورند بمجلس که این را تصویب کنیم که ما بهمیم باید يك ترتیب کلی را اتخاذ بکنند و بدانند که چه چیز رامی توانند معامله کنند آیا تمام چیزهاییکه معامله میکنند ما نمیتوانیم تصدیق بکنیم که دولت که مقروض شد پول او را بدهند ما چه وقت این اعتبار را تصدیق کرده ایم که بخواهیم پولش را بهمیم بنده بکلی باین ترتیب مخالف هستم و نمیدانم این حساب بجهت ترتیب رسیدگی شده است پس از آنکه يك اداره رسمی رسیدگی کرد میشود تصدیق کرد نه اینکه هفت نفری را که بنده نمیدانم چه سمتی دارند که تصدیق کرده اند يك دین را برای دولت که ۱۲ هزار تومان و کسری است تصدیق کنیم دولت بدهد

**مخبر** - باعتقاد بنده این ایراد اینکه شاهزاده سلیمان میرزا برای کمیسیون کردند وارد نیست بجهت اینکه تا اندازه خودشان تقاضی فرمودند مثلاً از يكطرف تصدیق میکردند که باید طلب تاجر را داد از يكطرف میفرمایند پول ملت است نمیشود داد بنده تعجب میکنم مگر این شخص تاجر جزء ملت ایران نیست که ما طلب او را برای اینکه حساب مسالیه مملکت را نمیدانیم معوق بگذاریم بگوئیم

پول ملت است نمی شود داد این تاجر بيك دولتی در موقعیکه دولت محتاج بوده است بگندم كمك کرده است و گندم داده است از برای ثنوت مملکت و باعتبار دولت این شخص گندم را راه انداخته است و وزارت مالیه هم تصویب کرده است در اینصورت ما طلب او را مدتی معوق بگذاریم برای اینکه اطلاع از حساب مالیه خودمان نداریم حقیقه مثل اینست که ما اطلاع از وضع مالیه خودمان نداریم و حساب مالیه ما از روی يك میزان و يك قانون مرتب می شود میشود و مخارجش هم از روی يك ترتیب صحیحی مصرف میشود آن وقت بگوئیم که چرا يك همچو چیزی بمجلس آمده است و مطابق کدام ماده قانون این مصرف شده است این مسئله يك چیزی نیست که بتوان ایراد گرفت این يك چیزی است که ما در پیش خودمان تصور میکنیم حضرت والایمانند که ایراد بوزیر مالیه بگیرند که بجهت میزان گرفته اند و بجهت میزان پرداخته اند این ایراد بوزارت مالیه وارد است و باین شخص وارد نیست اما اینکه میگویند که کسی این گندم گرفته شده است مخصوصاً در لایحه تشریح کرده است مقادیر ای مینویسند در موارد مختلفه از این شخص گرفته شده است کمیسیون هم که رای داده است تسعیر جنس را تصدیق کرده است و رای داده است طلب او را تصدیق نکرده است طلب او را وزارت مالیه تصدیق کرده است و دیگر اینکه میفرمایند که این هشت چه سمتی داشته اند شخص مدیر کل وزارت مالیه بوده است و یکی دوفتو هم از اعضای دیوان محاسبات و حکومت تهران و غیره اینها تشریح کرده اند نوشته اند تصدیق کرده اند که قیمت گندم در آن موقع چه بوده است کمیسیون نگفته است که آیا این مقدار را پرداخته است یا نپرداخته است پس این کمیسیون را باین سمت نمیشناسم مشول ما بنسنته مشول ما وزیر مالیه است اما اینکه چرا از بقایای یارسان رای داده اند برای این بود که کمیسیون از بودجه یارسان اطلاع نداشت وزیر مالیه عایدات را با اختیار خودش گرفته است و بصرف رسانیده است از این جهت خودش اینرا معلوم کرده است که این از بودنی است که میبایستی از بابت عایدات یارسان بپردازند و همه آقایان مسبوق هستند که چه جنسی وجه نقدی مبلنی مالیات قوی بیل باقی است و خزانه دار کل مشغول دریافت آنها است و اما اینکه میگویند ممکن بوده که از بقایای سته ماضیه خزانه دار کل این پول را بدهد دیگر لازم نبوده که بمجلس بیاورند عرض میکنم مجبور بودند که رای مجلس را در اینخصوص اتخاذ کنند چون خزانه دار کل عایدی را دریافت میکند و بدهی را نمیدهد پس اشخاصیکه تصدیق دارند که باید این شخصی بطلبش برسد نباید آنقدر در این مسئله ایراد بکنند ولی ایراد در مالیه مملکت که بجهت مصرف و چه طور شده است بنده با همه آقایان موافق هستم و لسی این مربوط بطلب این شخص نخواهد بود و همه نمایندگان میتوانند بخوانند که وزیر مالیه باید توضیح ۲۵ کرور مالیه مملکت را بدهد

**نایب رئیس** - مذاکرات کافی است دو فقره پیشنهاد شده است خوانده میشود یکی از طرف حاج سید ابراهیم و یکی از طرف ناصر الاسلام.

( پیشنهاد حاج سید ابراهیم بعبارت ذیل قرائت شد )  
بنده پیشنهاد میکنم لفظ از بقایای سته ماضیه از ماده حذف و در مابقی رای گرفته شود  
**نایب رئیس** - توضیحی دارید بفرمائید.  
**حاج سید ابراهیم** - بواسطه توضیحاتیکه دادند بنده پس گرفتم  
( پیشنهاد آقای ناصر الاسلام بعبارت ذیل قرائت شد )  
بنده پیشنهاد میکنم ادعای طلب ارباب لطف الله پس از تفتیش خزانه دار کل معین و معلوم بتوسط وزارت مالیه پیشنهاد مجلس گردد  
**نایب رئیس** - توضیحی دارید بفرمائید  
**ناصر الاسلام** - توضیحاتیکه مخبر کمیسیون دادند در بعضی شهادت که برای نمایندگان شده بود دیگر دویکی از بی ترتیبی این پیشنهاد اینست که وقتی که اینها جزو دستور میشود باید وزیر یا معاونش حاضر باشد که بعضی توضیحاتیکه میشود جواب بگویند در موقمش دیده میشود که هیچکدام حاضر نیستند و محض اینکه خاطر نمایندگان بخوبی مستحضر شود که این طلب يك طلب حقه است و به همان نحوی است که نوشته شده است بنده پیشنهاد کردم که از طرف خزانه دار کل تفتیش بشود که سبب اعتماد نمایندگان بشود و آن شخص هم بطلبش برسد و تا يك اندازه هم حقوق ملت ضایع نشود.  
**مهمین الرعايا** - بنده تصور میکنم که در این پیشنهاد نباید رای گرفت برای آنکه آقایان تصور میکنند که این خرج فوق العاده است اگر این شخص از باب لطف الله که تاجر است میدانست بعد از آنکه با وزارت مالیه طرف شد و طلبکار شد وزیر مالیه خواهد گفت که این باید از تصویب مجلس بگذرد ابتدا این معامله را نمیکرد بواسطه اینکه این يك معامله است که با دولت کرده است وزیر مالیه هم مشول مجلس است در واقع طرف بمجلس است پیشنهاد میکنم که این شخص در يك موقعی که گندم شك بود این شخص گندم داده است گویا فراموش شد آن زمانی که گندم کم بود و از نمایندگان يك حرارت فوق العاده در مجلس پیدا میشود از طرف مجلس کمیسیون منتخب میشود میروند به هیئت وزراء که عمل نان را تصفیه نمایند تا یکید میکنند که هر طور میدانند تصفیه بکنند و در آن موقع البته تصفیه نمی شد مگر بضرر دولت حالا که وزیر مالیه پیشنهاد مجلس کرده است که در آن موقع تنگی غله از این شخص ۱۲ هزار و کسری گندم خرید است و رسیدگی شده است که باید پول او را بدهند و معول برای مجلس کرده آقایان ایراد میکنند اگر ایرادی دارید راحت اینست که از وزارت مالیه سؤال کنید و استیضاح بخواهید و کیفیت اینرا بفهمید و عقیده بنده اینست که در اینباب باید رای داد تا بعد اگر تحقیقاتی لازم است بشود.  
**نایب رئیس** - پیشنهادی از طرف آقای ارباب کیخسرو شده است قرائت میشود ( بعبارت ذیل قرائت شد )  
پیشنهاد میکنم در خصوص طلب ارباب لطف الله اینقسم رای گرفته شود.  
ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است با

نظریات خزانه دار کل در ظرف یکماه بحساب گندم ارباب لطف الله مراجعه کرده هر قدر طلب حقه ارباب لطف الله میشود بپردازند.  
**نایب رئیس** - پیشنهاد دیگری هم در این خصوص از طرف آقای معزز الملک شده است خوانده میشود ( بعبارت ذیل قرائت شد )  
ماده واحده - مبلغ دوهزار و دویست و یازده تومان از بات بقایای سته ماضیه اعتبار به وزارت مالیه داده میشود که با اطلاع خزانه دار کل از بابت طلب ارباب لطف الله پرداخته شود.  
**نایب رئیس** - این دو پیشنهاد بایشهاد آقای ناصر الاسلام اختلاف دارد.  
**ناصر الاسلام** - همان ترتیبی که آقای ارباب پیشنهاد کرده اند آسان تر است که از ارباب لطف الله بطلب خودش برسد بنده هم همان را قبول میکنم  
**نایب رئیس** - آقای ارباب توضیحی دارید بفرمائید.  
**ارباب کیخسرو** - گویا اینطور واضح تر باشد بنده در اینجا نظری که داشتم این بود چون در آنجا وزارت مالیه تصدیق کرده است چنانچه نوشته است در راپورت کمیسیون که ارباب لطف الله نوشته نداشته است یعنی نوشته نداشته است نشان بدهد یا اینکه قراردادی در پیش نبوده است و چون خزانه دار کل بر حسب قانونی که از مجلس گذشته است باید نظریات در تمام جمع و خرج منکنی نماید از اینجهت باید نظری در این حساب بکنند ولی محض اینکه ضرر بر ارباب لطف الله نخورد باشد برای اینکه بیکماه فرجه قرار دادیم که فرجه داشته باشند که در ظرف این یکماه بحساب اورسیدگی بکنند و هر قدر طلب او است بپایندند.  
**نایب رئیس** - آقای معزز الملک توضیح میدهند  
**معزز الملک** - این پولی که ارباب لطف الله طلب دارد اعتبار بوزارت مالیه داده میشود منتهی اینست که در ظرف اینست بحساب اورسیدگی بکنند هر قدر طلب حقه او مسلم شد باو بپردازند  
**نایب رئیس** - کمیسیون چه میگوید.  
**حاج معزز الملک** - رای بگیرند.  
**نایب رئیس** - رای میگیریم به پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )  
**نایب رئیس** - با اکثریت تصویب شد راپورت کمیسیون بودجه راجع بسیف المجاهدین خوانده میشود ( بعبارت ذیل قرائت شد )  
لایحه وزارت مالیه راجع باقا میرزا محمد خاقتاهی قرائت گردید و وزارت مالیه اظهار داشته اند معزیه الیه اظهار میدارند که در جزو مجاهدین اردبیل بوده و خود مشارالیه جزء سوار قراولخانه آستانرادر سنوات سابقه حقوق میبرده ولی بعد موضوع آن جیره و سوار از میان رفته اینک آقا میر محمد نظر بخدمات بدر خود و نداشتن راه معاش تقاضای مقررری کرده و وزارت مالیه ماهی شش تومان مادام الحیوة درباره معزیه تصویب نموده بود پس از مذاکرات لازم چون تحقیقات وزارت مالیه اظهار اطلاعی از خدمات معزیه الیه ننموده و فقط با اظهار خود او متمسک شده بود با اکثریت آراء پیشنهاد وزارت مالیه

رد گردید.  
**نایب رئیس** - مغالطی هست.  
**آقا سید حسین** - اردبیلی - اینجا کمیسیون دلیلی که آورده است یعنی رد پیشنهاد وزیر اینست که وزارت مالیه فقط اعتمادش بهمان اظهارات خود آقای میر محمد خاقتاهی بوده است و خود او تحقیقاتی نکرده است ولی گمان میکنم که تا وزارت مالیه خودشان يك اطلاعی پیدا نمیکردند برای خدمات يك کسی فقط بعضی تقاضای يك کسی با اظهاری يك مقررری برای او تصویب نمیکردند این بدیهی است ممکن نیست هر کس خودش را خادم دانست و تقاضای يك مواجعی بکنند تصور میکنم که وزیر مالیه با اظهارات اوقاف شده و تحقیقات از خارج هم کرده است خوب بود که کمیسیون بودجه در رد اظهارات وزیر مالیه يك دلیلی داشت و خودش هم يك تحقیقاتی بعمل میآورد و معلوم میشد که واقعا این شخص استحقاق این را نداشته است یا اینکه وزیر مالیه تحقیق میکردند که این مستحق مستمری هست یا خیر معلوم میشود از آن نظریکه کمیسیون اطلاع نداشته است این را رد کرده است در هر حال بنده تصدیق میکنم نظر وزارت مالیه را و موافق همان شش تومان را که وزارت مالیه معین کرده است داده شود همان طو بیکه کمیسیون دلیلی برای رد کردن این لایحه ندارد خوب است مخبر کمیسیون تقاضا بکنند برود بکمیسیون آنطوریکه بنده اطلاع دارم این شخص در انقلابات آذربایجان خیلی زحمت کشیده است و خدماتی کرده است و استحقاق این را دارد که در ظرف سال این مبلغ که ( ۷۲ ) تومان میشود باو داده شود چنانچه ما قدر شناسی و جانفشانی های مجاهدین را در نظر داریم و همیشه منظور نظر مجلس بوده است اینرا هم در نظر بگیریم فقط اینکنا پیشنهادیکه در کمیسیون داده شده است و آماده بواسطه بی اطلاعی رد شده است ما هم تصویب نکنیم.  
**حاج سید ابراهیم** - گویا اگر برگردد بکمیسیون فایده نداشته باشد کمیسیون پیش از آن توضیح و اطلاعی ندارد و کمیسیون علم غیبی نمی تواند برود تحصیل کند همین اطلاعاتی است که دارند نظر کمیسیون هم همین است خوب است همین حالا رای گرفته شود شخصی است مجاهدت کرده و زحمت کشیده است ارجاع بکمیسیون فایده ندارد اگر مجلس قبول کرد چه بهتر و الا رد میکند.  
**لوی العادلوه** - عرض کنم این سید یکی از اشخاصی است که برای این آب و خاک و برای مجاهدت عامه و عبادت برداشته و لباس مجاهدی پوشیده در اردبیل هم خیلی خدمت کرده است علی - الاتصال سینه خود را برای مشروطیت سیر کرده است این ( ۷۲ ) تومان که وزارت مالیه تقاضا کرده اند که ماهی شش تومان است چیز زیادی نیست گمان میکنم اگر مجلس در پاره این رای بدهد که ماهی شش تومان باو بدهند خیلی بجاست.  
**رئیس** - مذاکرات کافی است - رای میگیریم بر راپورت کمیسیون بودجه که ماهی شش تومان دارد کرده است آقایانیکه موافقت با راپورت کمیسیون





خواهد یافت امر انتخابات بنده حقیقه این اولیه را نمی فهمم و دیگر آنکه در مذاکره راجع بگردستان گفته شد باین ترتیب به چوچه نزلزل سلطنت ملی وارد نیاید بنده درباره کرمانشاه عرض میکنم که باین ترتیب نزلزل سلطنت ملی وارد میاید بجهت اینکه سلطنت ملی کدام است سلطنت ملی اینستکه اکثریت ملت حکومت کند نه اقلیت وقتیکه بنده حوزه بزرگ وقایع شهر شد آنوقت تمام اهالی اطراف از حق خودشان محروم شده اند بجهت اینکه تمام چهار وکیل را برده اند و از تمام مملکت ده هزار نفر اکثریت را برده اند و تمام مردم تعقیق شده اند آنوقت اقلیت کار میکند و حال آنکه اکثریت ملت در سلطنت ملی باید کار بکند و اگر بنا شد اقلیت کده هزار نفر است کار بکند آنوقت فرق نمیکند بین ده هزار نفر و یک نفر که سلطنت مستدرا تشکیل میدهد.

**حاج وکیل الرعایا** - ایراد آنستکه فرمودند فقط در انتخاب جمعی است اینستکه جواب داده نشد گمان میکنم حالا همین یک جواب داده شود و رای گرفته شود مقصود از تشکیل مجلس شورای ملی و انتخابات برای اینستکه مردم در راه اصلاح بیگ نعمتی برسد اگر ما خودمان بگذری دقیق بشویم بغوی میتوانیم تصدیق بکنیم که بعضی از این نقاط که میگویند حق مستقل بهمیم که یک حوزه انتخابیه داشته باشند آنوقت بغوی میتوانیم تصدیق بکنیم تمام اهالی نقاط مملکت انس با انتخابات گرفته اند نمیتوانند بطوری که لازم است اسباب انتخابات را فراهم کنند که آنقدری کلارم است از حق آنها محفوظ باشد و دلایل برای این در خیلی زیاد است که اگر از تاریخ اول عالم بگیریم می بینیم که همه کس نمیتواند که ریرا بکند و همیشه یک جماعتی بهتر اینکار را میتوانستند بکنند تا یک نفر و حالیه اگر اینکه ما بخواهیم آن چیزی را که در شهر ها مردم توانسته اند تحقیقش برسانند اطلاع صحیحی پیدا کرده اند بخواهیم بگوئیم که آن قطعات دور دست هم این اندازه اطلاع پیدا کرده اند گمان میکنم اگر یک چنین چیزی را بگوئیم موافق حقیقت نباشد و بنده گمان میکنم تا مدت ها انتخاب جمعی باشد و ممکن است این ترتیب تا آخر دوره مشروطه فائده خودش را به بخشد و این از تقریر بنده خارج است لکن در اینجا میگویند که صحت را از کرمانشاه جدا بکنند و یک وکیل بیاورند بنده اگر بنده این حرف را بزنم گمان میکنم آن آقایانیکه صحنه را دیده اند به بنده بگویند که چنین رای بدیم که آنها از بین خودشان بایست یا چهل رای بکنند و انتخابات کنند و بفرستند که حکومت ملی را اداره کنند و گمان میکنم که کار وکیل فقط اطلاعات محلی نیست باید ملتیکه معلی را هم بداند آنوقت از نظر دیگر هم میگویم که حکومت ملی را اکثریت ملت تشکیل میکند و وقتی که دانستیم که این اکثریت از مجلس شناخته میشود و معلوم شد که آن اکثریت بآن وسعت را باید یک پنجاه نفری بکلیه خودشان اداره بکند آنوقت نمیتوانیم انتخاب جمعی را باین زودی از خودمان دور کنیم.

**هشترودی** - بنده گمان میکنم که آقایانیکه اشکال میکنند با انتخاب جمعی و بعضی آقایان چنین میگویند که آنها اشکال با انتخاب جمعی دارند اینطور

نیست بواسطه اینکه اگر این باشد در طهران هم باید بگویند انتخاب جمعی نباید باشد بنده نظر من اینطور می آید که مثلا تبریز هم باید انتخاب جمعی بکنند و اینطور نباشد که هر محله اش جدا جدا انتخاب بکنند این صحیح نیست بلکه بنده عقیده ام اینست و انتخاب عمومی بلکه شروط را آن میدانم که تمام مملکت یک مرکز داشته باشد سلطنت ملی را بنده اینطور میدانم که تمام مملکت یک مرکز داشته باشد نه اینکه این شهر علیحده یک وکیل داشته باشد آن محال علیحده خیر اینطور خوب نیست خوب است یک مرکز داشته باشد تمام مملکت و تمام آراء اهالی مملکت بآن یک مرکز بیاید این سلطنت ملی است ولی نتیجه میکنم از آنها که بجهت انتخاب جمعی سلطنت ملی را نزلزل میدانند بواسطه محروم شدن بعضی اشکال که میکنند آقایان بعضی جوابها میدهند که انسان منجر میماند مثلا آقای دکتر حاج رضا خان که اشکال میکنند نمیگویند انتخاب جمعی مطلقا غلط است بلکه مثل بنده شاید بفرمایند که همه مملکت باید تنها یک مرکز داشته باشد و تمام مردم صد و صد نفر را بنویسند بنده باید در انتخاب نماینده اگر عددها یکسان صد و بیست نفر بنویسیم آنها هم که در کرمانشاهان هستند صد و بیست نفر را بنویسند سلطنت ملی اینطور است و اصل انتخاب صحیح ملی اینچنین است بنده عقیده ام این است که اینرا هیچکس اختلاف نداشته باشد و کسی مخالف نباشد ولی اینکه اگر امروز در مملکت یک مرکز قرار بدیم و یک حوزه قرار بدیم که تمام آراء آنجا جمع بشود این امروز ممکن نیست این است که این را فرار نمیدهم والا آنرا قرار می دادیم و ایندلیل بهم جا وارد میاید بجهت این که چطور در یک مملکت ممکن نشد مراکز را یکی بکنیم همینطور در یک حوزه انتخابیه یعنی در یک ایالت یا ولایت اگر ممکن شد که حوزه باشد و تمام عددها نمایندگان آنجا را تمام اهالی آنجا رای بدهند اگر اینهم ممکن نشد آنوقت همچنانکه آن قسم اولی ممکن میشود از راه مجبوریت متفرق کردیم این را هم متفرق میکنیم چه طور که در تمام مملکت یک مرکز ممکن نیست و باید متفرق کرد مراکز را هم چنین در یک ایالت یا ولایت یا در یک محال هم همینطور است والا اگر ممکن نشد عاده والا عقلا ممکن است بکنند از آخر خاک گلیایگان بکماه مسافرت بکند بیاید فرضا طهران را بشیرا بدهند مراجعت بکند غلامسکن است اجازه عقلا عاده گفتم ممکن نباشد هاده که ممکن نشد عاده میگویند که این ممکن نیست محال است وقتیکه این ممکن نشد عاده آنوقت یک مرکز قراردادن واقعا این محروم نکردن است کسی هم هر چه برخلاف این بگوید بنده نمیتوانم قبول کنم مثلا طهران را اشکال بکنند که چرا طهران را جمعی قرار داده اند به برای این که ممکن است بجهت اینکه اینجا تمام اهالی را بشان را میآورند و میدهند بجهت بجهت اینکه ممکن است امادر کرمانشاه اینکه یک مرکز داشته و اینچنین جزء هم نداشته باشد این هم محال است وقتیکه یک مرکز قرار دادیم این محروم کردن است بجهت اینکه محال است همه بیایند در یکجا رای بدهند پس باید ناچار انجمن نظارت مرکزی انجمن های جزو قرار بدهند

آنوقت آمدیم که به بینیم انجمن نظارت مرکزی که انجمن های جزء قرار میدهند اهالی کرمانشاه نسبت با آنها مساوی هستند باخیر در صورتیکه مساوی نشدند باز منبش محروم کردن است عقیده ام این است که اشکالاتیکه با انتخاب جمعی میکنند از این است والا بنده عقیده ام اینستکه حق تمام مملکت ایران باید یک مرکز داشته و هر کسی صد و بیست نفر را بنویسد و بیارند بآن مرکز این عقیده بنده است در انتخاب فردی و فردی که میگویند بکلی قلم است و من از سلطنت ملی و عمومی همین را میفهمم از این راه عرض میکنم که کرمانشاه خالی از دوستی نیست و در تمام کرمانشاه نوشته اند گزارش کرمانشاه خواهد شد آنوقت این همان است که حاج دکتر رضا خان فرمودند بجهت اینکه عاده بعضی ها نمیتوانند بیایند در یک مرکز رای بدهند و آنها را ما در اینجا محروم کرده ایم چرا مردم را محروم بکنیم و چرا سلطنت ملی را از دست مردم بگیریم و اینانکه میگویند ممکن نیست یک حوزه قرارداد آنوقت حوزه انتخاب را چند جا که قرار میدهند باید بچند دگر نفوس هر یک با نفوس کرمانشاه مساوی است چه عیب دارد بکنند والا اگر مساوی نیست آنوقت باز این مجلس محروم میکند ملت را از انتخاب اشکال نیست و هر کسی جواب میدهد باید این جواب بدند.

**رئیس** - در این باب مذاکرات گویا کافی باشد.

**مرکز حوزه انتخابیه کرمانشاه**

**سعیدالاطباء** - اینجا مذاکرات زیاد میشود ولی بعضی دفاع میکنند که انسان نمیتواند بچند نفر طرف باشد بنده اینجا لازم میدانم که عرض کنم تفاوت سلطنت ملی با سلطنت استبدادی چیست سلطنت ملی آنستکه تمام مردم با دولت یکی هستند و باستیکه تمام افراد ملت کمک فکری بدولت بدهند وقتی که باشد اهالی یک مملکتی یک دولتی یعنی بهیئت دولت خودشان کمک فکری بدند البته نمیتواند در یک مملکتی با چندین کشور جمعیت حالا مملکت خودمان را بگیریم مملکت ما که سی کشور جمعیت دارد سی کشور می آید کمک فکری بدهند بدولت یعنی ممکن نیست این سی کشور در یک نقطه جمع شوند و افکار خودشان را در امورات ممکن است اظهار بلدان از اینجهت مجبور میشوند که این سی کشور نفوس یک عده و کبلی از طرف خودشان انتخاب بکنند که رای و عقیده آنها بنزله رای و عقیده تمام آن ملت باشد حالا در اینجا در این حوزه کرمانشاه و با سایر حوزهها که بیست نقطه را بر میدارند یک حوزه میکنند این قلم است و مرکز را شهر قرار میدهند در صورتیکه آن شهر شاید پنجاه هزار نفوس ندارد ممالک رای تمام نقاط دیگر نسبت با آنهاست ممالک است بجهت اینکه اگر چه جمعیت آنها زیادتر است لکن آنها نمیتوانند جمعیت خودشانرا جمع کنند لکن آنها در یک شهر منزل دارند و این حسن اتفاق استفاده میکنند اینستکه بنده عرض میکنم سلطنت ملی اینجا ازین میروند و این سلطنت ملی نیست یک سلطنت استبدادی کوچکی است نهایت پیشرفت - هشت نفر کار را اداره میکردند حالا یعنی در این صورت صد و بیست نفر می آید اداره میکنند و کلاه

آئینه افکار ملت بیچاره و آن رعیت ستم شده هستند باستیکه آنها وکیل داشته باشند از خودشان تا حافظ حقوق آنها باشد وقتیکه ما در اینجا هستیم در این آخر دوره نمیدانم برای اقتراض شخص مرض کنم یا اینکه طرف داری یک حزبی عرض کنم نمیدانم چه عرض کنم باین ترتیب حفظ حقوق موکلین و رعایای بیچاره را کرده ایم باخیر و همانطور که آقای دکتر حاج رضا خان مخالفت کردند بنده هم مخالفت میکنم و ابدا راضی نمیشوم که حقوق یک عده زیادی را بدیم یک عده قلیلی.

**رئیس** - شما بیک قدری حرارت پیدا کردید و درست نمیدانید چه میگویید خوبست قدری آرامی صحبت کنید چند فقره اصلاح پیشنهاد شده است یکی یکی خوانده میشود (به ترتیب ذیل قرائت شد) از طرف آقا محمد بروجردی - بنده پیشنهاد میکنم چهار نفر کرمانشاه و توابع را دونفر مرکز کرمانشاه قرار دهند بکنند کنگاور بکنند سنجان

**رئیس** - آقای آقا محمد در پیشنهاد خودتان اگر توضیحی دارید بدید.

**آقا محمد** - این مقدار عرض کنم اول این خاک کنگاور است که چهار فرسخی نهاروند است و یازده منزل است تا قصر و در طول این یازده منزل هم فراه زیادی است که سکته زیاد دارد و هم چادر نشین دارد که آنها در غیر کنگاور نمیتوانند حاضر شوند اگر مرکز را در غیر کنگاور قرار بدیم آراء آنها از بین می رود باین جهت بنده پیشنهاد کردم که حق یک وکیل به کنگاور و توابع آن بدهند چون کنگاور یک جای معتبری است و از تمام اطراف هم با آنها حاضر خواهند شد که رای بدهند و کنگاور را مرکز قرار بدهند و یک نفر هم براه بدهند و مرکز را قرار بدهند که جهت جا معینی دارد

**رئیس** - آقای منجر این اصلاح را قبول دارید؟

**ذکاء الملک** - خیر رای بکنیم.

**رئیس** - رای میکنیم باین اصلاح که آقای آقا محمد پیشنهاد کرده اند آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (بعضی قیام کردند)

**رئیس** - قابل توجه نشد اصلاحی آقای میرزا ابراهیم خان پیشنهاد کرده اند خوانده میشود (مبارت ذیل خوانده شد).

این بنده پیشنهاد میکنم - حوزه بندی کرمانشاه کرمانشاهان - ماهبدشت - چچال - بیستون - ۳ نفر - مرکز حوزه ... کرمانشاه قصر ذهاب - کرند - کلهر - سنجان کوران یک نفر - مرکز کرند - صحنه - دنیور - هرسین - کنگاور - یک نفر - مرکز - کنگاور

**آقای میرزا ابراهیم خان** - توضیح بنده بالاخص اینست که زیاده از صد پنجاه فرسخ مربع یک زمین را که دارای پانصد هزار نفر جمعیت باشد برای تمام اینها در یک چنین صحنه خاکی یک مرکز کنیم معنی اینست که تمام آن سکته از حق انتخاب محرومند و انتخاب باید در شهر کرمانشاه بشود لهذا بنده او را تقسیم کرده ام سه حوزه که هر حوزه به نایبند و حق خودش برسد.

**ذکاء الملک** - ترتیب حوزه بندی باین شکل نمیشود.

**رئیس** - رای میکنیم باصلاح آقا میرزا ابراهیم خان آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند.

**رئیس** - مشکوک شد دو مرتبه رای میکنیم آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه شد در اینصورت سایر اصلاحات را خواندن شاید جا نداشته باشد آقای دکتر حیدر میرزا - در صورتیکه آن قابل توجه شد بنده اصلاح خودم رای میکنیم.

**رئیس** - پس این فقره بر میگردد بکمیسیون گروس.

گروس عده نمایندگان بکنند (نقاط جزء هر حوزه انتخابیه) - گروس و توابع.

**رئیس** - مخالفی هست؟

**حاج ذکاء الملک** - گروس و توابع غلط است باید نوشته شود بیچار و توابع

**ادیب التجار** - یک افتخاری هم هست ضمیمه گروس خوب است آنرا هم بنویسند که بدانند

**معین الرعایا** - میخواستم عرض کنم افشار جزو آذربایجان است ربطی بگروس ندارد.

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد)

مرکز حوزه انتخابیه - بیچار.

**رئیس** - رای میکنیم بجزو انتخابیه گروس آقایانیکه موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد کرمان بلوچستان خوانده میشود (به ترتیب ذیل قرائت شد).

کرمان بلوچستان - ۶ نفر (نقاط جزء هر حوزه انتخابیه).

کرمان - ماهان - جوربار - چنرود - سرآسیابین - کوه پاپه - خبیص انفر مرکز حوزه انتخابیه کرمان - رفسنجان - انار - یاریز - نوق زرن - کوه نسا - راور - شتر بانگ (۱ نفر) مرکز حوزه انتخابیه - رفسنجان - سیرجان - اقطاع و افشار - لک - بزنجان - از روی بردسیر (۱ نفر) مرکز حوزه انتخابیه - سیرجان - اسفندقه - جیرفت - رودبار - جبال بارز - سالار دره - بکنند مرکز حوزه انتخابیه جیرفت - لوگر - زاین - نهرود - نیم زماشیر - بکنند مرکز حوزه انتخابیه - بلوچستان - بکنند مرکز حوزه انتخابیه - مهرج

**رئیس** - مخالفی هست؟

**محمد هاشم میرزا** - بنده هر چه تصور میکنم کرمان را کمتر از نصف آذربایجان یادو نك خراسان نمیدانم و شش نفر را برای کرمان خیلی کم میدانم و پیشنهاد کرده ام عقیده انست که بکنند برای بلوچستان و شش نفر برای کرمان در موقع خواندن پیشنهاد اگر مخالفی هست توضیح خواهم داد.

**افتخار الواعظین** - موافقت بنده اشتباه نشود که از چند حیث است بنده در خراسان هم که مخالفت کردم از حیث عده نه بوده است و عرض کردم چنانچه برای خراسان هشت نفر معین میگردند و تقسیماتش صحیح بوده که تمام اهالی میتوانستند شرکت بکنند بنده آنوقت مخالف نبودم در کرمان هم می بینم بی تناسب تقسیم شده است تقسیماتش یک تقسیماتی است

که هر یک از آن حوزهها میتوانند مستقیماً انتخاب بکنند و بکنند نماینده خودشان را بفرستند برای مجلس شورای ملی و از این جهت است که بنده موافق و عرض میکنم که عده همین شش نفر که نوشته شده در صورتیکه ما نظر داشته باشیم که عده نمایندگان از ۱۲۰ نفر تجاوز نکنند کافی است و بنده مخالفم با اینکه هر یک از این حوزهها نتوانند بکنند وکیل معین کنند و بر مرکز بفرستند.

**حاج دکتر رضا خان** - بنده بنده مخالفتم در عده است و ایراد دیگر در خصوص انتخاب فردی است و حالا آقای منجر میفرمایند که انتخاب فردی خیلی خوبست زیرا حوزه بندی در کمال خوبی شده است و خاکش هم آباد و متفرق است باینجهت حوزه بندی کردیم و ممکن بود در سایر نقاط هم همینطور بشود حالا این بنده اما از حیث عده بنده تمجیب میکنم که از حیث اهمیت و از حیث اهت خاک از هر حیث بستنیم برای ایالت کرمان شش نفر کم است و اینکه میفرمایند نظر بآنکه عده نمایندگان از صد و بیست نفر تجاوز نکند کافیت عرض بکنم اگر محدود میشد بهمان صد و بیست نفر صحیح بود لکن وقتیکه سایر جاهها افزوده شد نمیگوئیم که عده زیاد شد و اینجا شش نفر خیلی کم است و خواهش میکنم از آقای منجر که اگر واقعا توضیحی دارند از برای اینست که شش نفر کافیت بفرمایند.

**ذکاء الملک** - توضیح بنده اینستکه آقای دکتر رضا خان نظرشان بتوسیع خاک است و وسعت خاک نقاط اعتبار نیست عده نمایندگان شش نفر اینقدر کم نیست که بگویند کرمان را این قدر محل اعتبار قرار ندادیم و اینکه میفرمایند کافی نیست این عده نسبت بجمعیت آنجا بنده هم میگویم کافیت هیچکدام شاید دلیل محکمی نداشته باشیم.

**رئیس** - مذاکرات گویا کافی است؟

رفسنجان - انار - یاریز - نوق - زرن - کوه بنان - راور - شربانگ - عده نمایندگان بکنند مرکز حوزه انتخابیه - رفسنجان.

**دکتر حیدر میرزا** - بنده امروز در آن صفحه موافق و مخالف اسم خودم را نوشته بودم گویا فراموش شده است.

**رئیس** - بله صحیح است فراموش شده بود بفرمایند.

**دکتر حیدر میرزا** - میخواستم عرض کنم درباره کرمان وثابت میکنم که کرمان علاوه بر وسعت خاکش دو کشور جمعیت دارد وسعت خاک که میفرمایند مناط اعتبار نیست بنده هم تصدیق دارم لکن عرض میکنم کلبه جمعیت کرمان زیاده بر دو کشور است و شهر کرمان زیاده بر صد هزار جمعیت دارد بعد مسافت اسباب عدم اطلاع است بفر آن شهر کرمان دوهزار کارخانه قالی بافی دارد که همه آقایان میدانند که هر یک از سه الی پنج پسر دوازده ساله در آن کار میکنند همین عده هم اطفال اثاث دارد و آنوقت از اینرو حساب بکنید ببینید چقدر جمعیت دارد این شهر که آنقدر اطفال دارد شهر کرمان بطور قطع صد هزار جمعیت دارد منتهی کثرت بعد آن بیچارگان بر مرکز مانع عدم توجه مملکت شده بطرف کرمان خود بلوچستان دوست هزار جمعیت دارد بله جمعیت بلوچستان کم است